

بسم الله الرحمن الرحيم

نام كتاب : ترور، آئين دجال

نام مؤلف : عدنان اوكتار

مترجم : ح.ك.مقدم

مقدمه

کلمه دجال برای خیلی از انسانها معنایی افاده نمی نماید. زیرا بخش بزرگی از انسانها در این مورد اطلاعات محدودی داشته و حتی بعضی ها این واژه را نشنیده اند. در حالیکه در حدیثهایی که از پیامبران که در آنها اشاره به روزهای نزدیک روز قیامت گردیده این واژه حائز اهمیت فراوان می باشد و اطلاعات دقیقی در آن احادیث در آن مورد ذکر شده است. هدف این کتاب نیز تعریف واژه دجال به وسیله حدیثهایی که از پیامبران رسیده و شناساندن این نیروی شیطانی از نزدیک می باشد.

دجال نام بزرگترین نیروی منفی است که در آخرالزمان (دوره پایانی دنیا) به عرصه وجود خواهد آمد.

در حدیثها، اغلب بشکل یک شخصیت واحد جلوه نموده اما در عین حال می تواند تصویر یک ایدئولوژی که تمایل به اعمال شدت و وحشت با ویژگی های شیطانی که ظلم بر انسانها می نماید نیز می تواند باشد.

در بخش های بعدی این کتاب نیز (دجالیت) از این زاویه (یک روش تفکر منحط که بر روی تمام دنیا اثر می گذارد) نشان داده خواهد شد.

این موج فکری در واقع مانند سحر بر روی قشرها اثر نموده، علی رغم انخطاط و خطاهایی که دارد، صاحب پیروانی است و حتی در داخل خود به فرقه های مختلف نیز تقسیم می گردد.

نکته مهم دیگری که در این کتاب بر روی آن تاکید خواهد شد، نشان دادن تلاش این تفکر منحط برای استیلا بر تمام جهان به وسیله القای ترس و تشویق در میان انسانها و بوجود آوردن نا آرامی در میان آنها، از میان بردن امنیت و آسایش بر روی زمین است.

یکی از روش هایی که تفکر مورد بحث اغلب مورد استفاده قرار می دهد بکارگیری ترور و وحشت بر علیه انسانهای بی دفاع می باشد.

به زبان دیگر ترور مهم ترین وسیله در سیستم دجال می باشد. این وسیله در سیستم دجال از طرف پیروان آن به شکل یک آئین در یک هیستری بزرگ مورد استفاده قرار می گیرد.

جنگها، درگیریها، ترورهای خونین، کشتارهای جمعی وحشیانه، جنایات و قتل عام ها تحت تاثیر مهمترین نیروی شیطانی آخرالزمان یعنی دجال می باشند.

هدف اساسی این سیستم دور نمودن انسانها از ایمان، اخلاق زیبا، ژرفای معنوی، عشق، شفقت و دیگر تمامی مزیت های انسانی و تبدیل آنان به حیواناتی وحشی، بی محبت، متهاجم و لذت برنده از وحشت و خشونت، و بدین صورت تبدیل دنیا به یک عرصه خونین می باشد. اما هیچگاه نباید فراموش کرد که این سیستم به هیچ وجه پیروز نخواهد شد و بدون شک نابود خواهد گردید.

کابوسی که بدست این سیستم بوجود آمده و ابعاد فتنه ای که پیدا کرده هرچه باشد، سیستم فکری دجال، تحت تمامی افکار باطل، بر اساس یک قانون الهی، محکوم به شکست و نابودی است. و این شکست، به اذن ... بدست و با مجادله فکری کسانی که با اخلاص روی به ... گردانیده و برای گسترش ایمان و اخلاق زیبا بر روی زمین تلاش می نمایند محقق خواهد گردید.

این وعده ... به ایمان آورندگان است .
در یک آیه قرآنی ظهور حق و نابودی باطل به این صورت خبر داده شده است :

"بگو که : حق آمد، باطل نابود شد. بدون هیچ شکی باطل نابود شدنی است ."

« سوره مبارکه اسراء آیه 18 »

دجال

دجال که در اصل یک کلمه عربی است به معانی زیر می باشد:
دروغگو، حیلله گر، درهم ریزنده، آمیزنده ی نیکی با بدی و حق با باطل در ذهن ها و قلب ها، زینت کننده یک چیز برای پنهان ساختن چهره واقعی آن، شخص بد و منحوسی که همه جا را می گردد.
درخیلی از احادیث پیامبرمان (ص) در مورد آخرالزمان، دجال به عنوان یکی از مهمترین علامات قیامت جا گرفته است.
وضع دنیای امروز هم با آنچه از احادیث پیامبرمان (ص) بدست می آید شباهت بسیار عرضه می نماید.

در احادیث نشانه های این دوره چنین بیان شده است که فتنه (اغتشاش و تخریب)، در دنیایی که (هرج و مرج آثارش و خشونت رواج پیدا کرده اثری از آرامش در آن نمانده و انسانها با سختی هایی مانند فقر و گرسنگی، خشکسالی مجادله نموده و دوره ای است که فساد بدی شیوع و رواج می یابد.

(برای اطلاعات بیشتر به کتاب علامات آخرالزمان بشر Harun yahya مراجعه نمایید.)

در این دوران بانی رواج هرج و مرج و عدم آرامش، سوق انسانها به بی اخلاقی و بدی و سوق دادن اقشار انسانها به سوی انکار و عصیان، ترور و خشونت دجال می باشد.
روش دجال در ترویج بی اخلاقی، زشت را زیبا و زیبا را زشت، خوب را بد و بد را خوب جلوه دادن است.

یکی از احادیثی که در این مورد آگاه کننده می باشد چنین است:
(دجال خروج می نماید، به همراهش آب و آتش هستند. آنچه که انسانها به شکل آب می بینند در واقع آتش سوزاننده ای است، و آنچه که انسانها آتش می بینند آبی خنک و گوارا است.¹)

پیامبرمان (ص) در احادیث شریفشان ضمن تاکید بر اینکه قبل از ظهور قیامت بدون تردید دجال خروج خواهد نمود (آشکار خواهد شد). محیطی را که در آن دجال ظاهر خواهد شد را نیز بیان می نمایند.

¹ . مسلم سامی گونگور. فتنه بزرگ دجال مسیح . انتشارات پاموک ، استانبول . ص .13

دوره ای که در آن دجال آشکار خواهد شد دوره ای است که اخلاق دینی در آن زمان وجود ندارد،... به آشکارا انکار می گردد، بی اخلاقی، هرج و مرج، جنگها بسیار شیوع پیدا کرده، ترورها و جنایات ها به صورت قسمتی از زندگی روزانه در آمده خواهد بود.

در طول تاریخ هرج و مرج و ناآرامی در دوران مختلف دیده شده اما اغتشاش و ناآرامی که دجال بوجود خواهد آورد به وسعتی خواهد بود که در هیچ دوره ای دیده نشده باشد. پیامبر مان (ص) در یکی از احادیث شان به این موضوع دقت ها را جلب می نمایند:

«از روزی که خداوند حضرت اکرم (ع) را خلق نموده اند تا به امروز فتنه ای بزرگتر از فتنه دجال نبوده است»².

دارونیزم دین دجالیت

در بسیاری از احادیثی که در آن از دجال سخن رفته و نظیرسازی های مختلف و تعاریف خاصی که بکارگرفته شده در بررسی ها، خصوصیات یک ایدئولوژی را به وضوح آشکار می سازد. در چنین وضعیتی هر سیستمی از ایدئولوژی ها که سوق دادن انسانها به سوی انکار حق دور کردن از اخلاق دینی، رواج فتنه و هرج و مرج در میان انسانها را هدف قرار داده و اشاراتی به دجال می باشد.

در دنیای امروز یکی از بزرگترین فتنه ها بر علیه دین، ماتریالیسم و ایدئولوژی های متفاوت زاده از آن می باشد. نقطه اساسی و پایه تمامی این ایدئولوژی ها که به ظاهر علمی نیز می باشد، دارونیزم است. از روزی که دارونیزم مطرح شده تا به امروز پایه اساسی حرکتهای فکری ضد دینی بوده و خود نیز از سوی دفاع کنندگان آن به صورت دینی جلوه داده شده است. این نکته را که دارونیزم در آخرالزمان بصورت دین دجال در خواهد آمد از میان کلیات زیر از عالم بزرگ مسلمان (بدیع الزمان سعید نوری) حائز اهمیت و دقت است:

². علامه محمد رسول الحسینی مدینه ای برزنجی، علائم قیامت، انتشارات پاموک هشتمین طبع، استانبول، ص225.

یک حرکت فکری نمرودانه که ریشه در ماتریالیسم و اصالت طبیعت دارد در آخر الزمان به وسیله فلسفه رفته رفته رواج پیدا کرده و به حد ادعای الوهیت خواهد رسید.³

دقیقاً همانگونه که در جمله بدیع الزمان آمده: (حرکت فکری نمرودانه که ریشه در ماتریالیسم و اصالت طبیعت دارد.) داروینیزم تفکری بر اساس عطف قدرت مستقل برای طبیعت، خلق تمامی موجودات تفکری بر اساس عطف اینکه هیچ چیزی مخلوق نیست و دور کننده انسانها از ایمان به... است.

در کتاب ترجمه و شرح قطب سته که حاوی احادیث پیامبرمان (ص) و شرح آنها در این مورد می باشد چنین ذکر می شود:

نشانه بارز فتنه ای که در آخر الزمان بدست دجال بوجود خواهد آمد، مخالفت با دین خواهد بود. بعضی از نگرش ها و ارزش های هیومانیستی - انسان مداری- تلاش برای جایگزین ساختن خود با دین خواهند نمود. این دین تقلبی انکار هر نوع حاکمیت فراتر از انسان بر انسان را پایه اساسی تفکر خود قرار می دهد؛ و ماده و انسان را اله قرار داده، دینی، خارج از دین واقعی می باشد.⁴

در جمله بالا که در آن به «نگرش های هیومانیستی - انسان مداری» اشاره شده امروزه در واقع در کسوت دین در حال جلوه است.

در عصر مایونیزم که فکر خداوند و پرستش کننده انسان به عنوان یک وجود مقدس در جایگاه دینی فکر خداوند قرار داده شده است.

زمانی که به تشکیلات و انتشارات گروه های هیومانیست دقت گردد، تمامی جهان بینی آنان را بر پایه تئوری تکامل قرار گرفته می بینیم.

(برای اطلاعات بیشتر به کتاب ماسونیزم جهانی اثر نویسنده نگاه کنید)

³ . اسماعیل موتلو، علائم قیامت از دیدگاه تفاسیر بدیع الزمان . انتشارات موتلو ، استانبول 1996 ، ص 117.

⁴ . قطب سته محتمری (ترجمه شرح). پرفسور دکتر ابراهیم جانان. جلد سیزدهم آنکارا 1992. صفحات 457 و 458.

داروینیزم که مدعی بوجود آمدن جانداران از بی جانان و تکامل آنان می باشد مدعی است که این روش بر پایه تصادف صورت گرفته است .

بر اساس این تفکر گمراه کننده تمامی انواع جانداران ، بصورت تصادفی از یک سلول بوجود آمده یعنی همه از منبع همان سلول بوجود آمده و در طول زمان باز هم بر اثر تصادف با ایجاد تغییرات از یکدیگر تمایز یافته اند .

این تئوری که بر پایه هیچ تفکر استوار بر عقل و علم نمی باشد و صرفاً حاصل شده از اوهام است ، در زمان داروین به سبب شرایط اجتماعی خاص آن دوران و سطح ابتدایی علم در آن روز مورد قبول بسیاری از افراد قرار گرفت .

اما با پیشرفت همزمان علم و تکنولوژی بر همگان روشن گردید که این تئوری سفسطه ای بزرگ، بیش نیست .

اما علیرغم این ، در زمان حاضر کسانی که در ادامه وابستگی به این تئوری اصرار می نمایند همانگونه که در ذیل خواهد آمد ، شامل کسانی هستند که بر اساس ضرورت های ایدئولوژیک همچنان بر غیر علمی بودن و نادرست بودن آن چشم پوشی می نمایند . بر اساس این دین باطل جانداران بر روی زمین آفریده نشده بلکه خود بخود بوجود آمده اند . معتقدان به این اعتقاد بی اساس : در برابر سؤال : «خوب جانوران در ابتدا چگونه به عرصه وجود آمده اند؟» این جواب را می دهند : « جانداران را تصادف های کور بوجود آورده » . در حالیکه تصادف قدرتی بی هدف ، بدون عقل و سرگردان می باشد .

در صورتیکه ... هر چیز را بر اساس نظام ، نقشه ، عقل و حکمت می آفرینند . انسان در زمان رو در رویی با اشیاء می داند که یقیناً کسی آن را ساخته است و در زمانی که او نبوده آن سازنده عاقل و با شعور آن جسم را ساخته است .

ضمناً برای فهمیدن این احتیاجی به تفکر طولانی و تحقیق هم نیست .

این چیزی است که انسان در لحظه دیدن اشیاء آنرا می فهمد . برای مثال وقتی شخصی وارد اطاقی می گردد از سازنده های

کاناپه، میز، ساعت، تلویزیون اطلاع داشته، از حمل کننده ای که آن اشیاء را به آن جا حمل نموده آگاهی داشته و همچنین از وجود شخصی که این اشیاء را به مناسب ترین وضع در آن اطاق جاگذاری نموده اطلاع دارد. میز، کاناپه، ساعت، تلویزیون به خودی خود به آنجا نیامده و همچنین کسی تصور نمی کند که هرکدام از آنها جایی مناسب برای خود پیدا نموده و مستقر شده اند. اگر شخصی چنین ادعایی نماید بدون تردید هر کس به عقل او شک خواهد کرد. معتقدین به تفکر باطالی مانند داروینزم ادعا می نمایند که سیب ها، پرتقال ها، توت فرنگی ها، انگورها، خربزه ها، هندوانه ها، گیلاس ها، شفتالوها، زردآلوها، گل های رز، زنبق ها، سنبل ها، بنفشه ها، ماگنولیا ها، میخک ها، گربه ها، آهوها، پلنگ ها، خرگوش ها، سنجاب ها، گورخرها، زرافه ها و هزاران نوع از موجودات و حتی دکترا، پروفیسورها، آکادمیسین ها، هنرمندان، دولتمردان و در نهایت همه انسانها به سبب تصادفی که خودبه خود به عرصه وجود آمده اند.

به گفته دیگر، برای معتقدین به این تفکر، تمامی موجودات در نتیجه تصادفات بوجود آمده اند، در چنین شرایطی «تصادف» برای چنین اشخاصی به مثابه اله است. در حالیکه اگر دقت شود این به ظاهر اله، بدون قدرت تفکر، بی عقل ترین اله دنیا است. زیرا این اله متوجه آنچه که هست نمی باشد و هم نمی داند که باعث به وجود آمدن چه اثراتی شده است.

پیامبرمان (ص) در حدیثی در مورد دجال می فرمایند «بدانید که او کور است» و با این فرمایش کور بودن چشم او را اعلان می نمایند. از سوی برخی از علمای اسلام این حدیث به شکل (چشم قلب دجال کور است) تفسیر شده است.⁵

این توضیح در سایه اطلاعاتی که در بالا ذکر گردیده بیشتر آشکار می گردد.

چشم قلب و چشم عقل انسانهایی که «تصادف کور» را به صورت اله در آورده و دین خود قرار داده اند کور است.

⁵. شعبان دوئن - مهری و دجال - انتشارات گنج نیک - طبع دوم - استانبول 1998
ص 69.

به این انسانها وقتی گفته شود: الله تمامی هستی را بایک عقل برتر و نظام و انتظام خلق نموده است، بلافاصله اعتراض می نمایند. و این را به نهایت منطقی دانسته، به جای خلقی بر اساس عقل و آگاهی ادعایی غیر عقلانی به خلقی بر پایه تصادفات بدون شعور که در زمینه ای از کابوس و هرج و مرج قرار داده شده می نمایند. آنگاه که از این زاویه، به این موضوع نگاه شود، داروینزم در تاریخ دنیا تعجب آورترین دین باطل بوده است.

جنبه دیگر حیرت آور آن هم علی‌رغم بیهوده و اشتباه بودن، پسندیده شدن آن توسط عده ای از افراد تحصیل کرده می باشد. حتی برخی از پروفیسورها، دولتمردان، سیاستمداران، مدرسه ها، وکلا، دکترها به این عقیده اند.

این هم نشان دهنده اثرات سحر کننده در سیستم فکری دجال است که انسان ها را تحت تاثیر خود قرار می دهد.

خوب، عاملی که برخی از انسانها را جذب چنین تفکر غیر عقلانی و غیرمنطقی می نماید چیست؟

و چنین است که در مقابلمان تبلیغات وسیع برای ترویج سیستم فکری دجال در آخرالزمان قرار می گیرد.

برای ایجاد این تاثیر از اولین روزهایی که شعور انسانها باز می گردد با تلقین های قوی انسانها مرحله به مرحله وارد حوزه این دین باطل می گردند.

تلقینی که از دوران کودکی انسانها آغاز می گردد و در چند مرحله انجام می پذیرد و در هر مرحله، انسان یک قدم بیشتر به طرف دنیای تاریک دجال سوق داده می شود. مهمترین راه حفظ از این تلقین ها گوش دادن به ندای وجدان از سوی انسانهاست. چون که وجدان به اذن... مشاوری است که هرزمان انسان را به سوی راه صحیح راهنمایی می نماید.

در حالیکه داروینزم که اساساً از نظر علمی فروریخته در زمان ها تنها به عنوان یک نگرش ایدئولوژیک در حال دفاع از خود است و علاوه بر دلائل علمی، انسان با رجوع به وجدان خویش به سادگی متوجه نادرست بودن و بزرگی آن سفسطه می گردد.

برای آگاه بودن در برابر این تهدید و دانستن چگونگی عملکرد و مکانیزم این تلقین، شرح مراحل مختلف آن را که از کودکی آغاز می شود بجا خواهد بود.
مرحله اول:

دروغ «حیات در نتیجه تصادف ها پدید آمده است» آموخته می شود. نحوه درک و برداشت یک کودک از زندگی و اتفاقات اطراف خودبایک فرد بالغ خیلی متفاوت است. کودک مرتب سؤال می پرسد، علل اتفاقات اطراف خود را می پرسد. چگونگی به دنیا آمدن، حرف زدن و چگونگی زنده شدن جانداران را می پرسد. گیاهان را چه کسی آفریده؟

چگونگی طلوع و غروب خورشید، چگونگی ایستادن ماه در آسمان و جواب بسیاری دیگر از سئوالها را جست جو می نماید.

در اصل در برابر تمامی این سئوال ها یک جواب درست وجود دارد. اما انسانها به این سئوالها به دو نوع جواب می دهند. اولین این جواب ها که صحیح هم می باشد است که همه چیز و هر کس را ... آفریده و همه انسانها را از نیستی به هستی آورده، بزرگ نموده، تغذیه نموده، نوشانده است او وادار کننده ما به نفس کشیدن نموده، محافظ و مرحمت کننده است. او تمام کائنات را دربرگرفته، احاطه نموده، هر آن در هر جا حاضر است، هر لحظه انسانها را می بیند و می شنود. اما برخی از انسانها در برابر این سئوال کودکانشان، این جواب صحیح را نمی دهند. بخشی از انسانها ... را به عنوان خلق کننده همه چیز عنوان می نمایند، اما این را نمی گویند که الله تنها حاکم و صاحب همه چیز است وهرچیزی تنها با اراده او صورت می گیرد. برخی دیگر کودکان خود را به اشتباه بزرگتری سوق می دهند. اینها تمامی کائنات را بر اثر تصادف بدون عقل و شعور به وجود آمده عنوان می نمایند. زیرا ایشان نیز از بزرگترها و اطرافیان خود چنین جوابی را شنیده اند و سالها در همین راستا تعلیم دیده اند. در مدارس، روزنامه ها، تلویزیون ها، مدام با این تلقین روبرو شده اند که خدایی وجود ندارد و این تلقین در طول سالها در مغزشان حک شده است. حتی این تلقین چنان پذیرشی در میان انسانها

یافته که آنها آنچه که در اطراف خود از انواع موجودات خارق العاده دیده اند را بدون انکار بر روی آنها سعی در نادیده گرفتن شان می نمایند.

در اصل چنین وضعیتی خودبه خود یکی از معجزه های آفرینش می باشد. پافشاری برخی از انسانها در انکار، علیرغم مشاهده بسیاری از معجزات در اطراف خود و دیدن بسیاری از دلائل، خود یک وضعیت های حاکی از اعجاز است که در قرآن بدان اشاره شده است. الله در یکی از آیات قرآن در مورد کسانی که علیرغم مشاهده معجزات ایمان نخواهند آورد چنین می فرمایند: "واقعیت این است که اگر ما فرشته ها را برای آنها نازل می کردیم، مردگان با ایشان صحبت می کردند، و همه چیز را در برابرشان جمع می نمودیم، جز آنکه الله اراده نماید، آنان باز هم ایمان نخواهند آورد. اما بسیاری از ایشان جاهلیت می نمایند" «سوره مبارکه انعام آیه 111».

تعلیمی که این افراد به کودکان می دهند در همان راستای سیستم فکری دجال است که خود نیز آن را پسندیده اند. به این ترتیب بخش بزرگی از انسانها از همان زمان طفولیت، بدون تعقل بر روی وجود خداوند و هنر آفرینش هر چیز را عبارت از یک تصادف دانسته، رشد نموده و بزرگ می شوند. برخی دیگر از خانواده ها در این مورد هیچ تعلیمی به فرزندان خود نمی دهند و آنان را در برابر تلویزیون ها، فیلم ها، و روزنامه یا کتابهایی که بر اساس (هیچ مداری) انکار حق پایه ریزی شده اند. تنها رها می نمایند. در چنین شرایطی اغلب فرزندان اسیر این تلقین ها می گردند.

مرحله دوم:

تعلیم دروغ «زندگی مجادله ای بر اساس قدرت مداری است» برای انسانی که حیات را در نتیجه تصادف ها تلقی می نماید، ماده تنها ارزش محسوب می شود، اگر چه در آغاز خود نیز متوجه آن نباشد. و بدین صورت از مرحله اول گذر می نماید. در جوامعی که اکثر افراد آن تحت تاثیر چنین تلقی هایی رشد نموده اند، دیگر تلقینی که بر ذهن کودکان حک می گردد این است: «

تازمانی که قدرتمند و خود پسند باشی می توانی بر پای خود بایستی.»

در آغاز این تلقین از داخل خانواده آغاز شده و سپس از ورود کودک به مدرسه قدرت و شمول بیشتر می یابد. تلقینی که از خانواده و اطرافیان بر روی کودک انجام پذیرفته پس از ورود به مدرسه در زیر ظاهری علمی گفته می شود: «اجداد انسانها حیوانات هستند، از این رو ارتباطی که میان حیوانات است در میان انسانها نیز می تواند باشد.» در صورتی که تمام اینها بر پایه تئوری هایی است که از نظر علمی پایه و اساس نداشته و تماماً نادرست می باشند.

به این ترتیب کودک با این تصور که میان جوامع و افراد مجادله مستمری در جریان بوده وضعیف ها همواره از میان می روند، رشد نموده و هر زمان به این می اندیشد که خود نیز بر اساس این تلقی باید پایه ریزی زندگی خود را نماید.

بر اساس این تعلیم، درسی که کودک، بیشترین احتیاج را به یادگرفتن آن داشته و هیچگاه نباید فراموش نماید این است: «در این مجادله برای بر سر پا ماندن در صورت لزوم، زور، قدرت و حيله را باید مورد استفاده قرار دهد.»

این تلقین محدود به مدرسه ها نمی شود. کودک در شعر آهنگهایی که گوش می دهد، در فیلم هایی که مشاهده می کند، آگهی ها، ویدئو کلیپ ها، حتی در بازی های کامپیوتری و خلاصه در هر لحظه از زندگی اش تحت تلقین قوی از سوی داروینیزم اجتماعی می باشد. در نتیجه تلقین فوق ارتباطات خود با انسانهای دیگر را بر اساس نگرشی مادی قرار می دهند. این به معنای حاکمیت بی رحمی، خودپسندی، سودطلبی، بی وفایی بر تمامی لحظات زندگی است، نتیجه طبیعی چنین نگرشی بر روی کودک دور ساختن او از روشهای اخلاقی و سوق دادن او به سوی دنیایی از تاریکی است در حالیکه اخلاق قرآنی به انسان ها زندگی تماماً متضاد با این را عرضه می دارد.

در قرآن انسانها به صلح و امنیت دعوت می گردند. در جوامعی که اخلاق قرآنی در آن اجرا می گردد، عشق، مرحمت، خوش بینی

، آرامش، درستی، فداکاری و انسانیت حاکم است. اخلاق زیبایی که ... به انسان امر نموده چنین بیان می‌گردد:

"ایشان با اینکه احتیاج دارند، غذا را به فقیر و یتیم و اسیر می‌خورانند. ما این غذا را تنها برای رضای خدا به شما می‌دهیم. از شما نه چیزی در مقابل آن و نه تشکری می‌خواهیم. زیرا ما از آن روزی که بسیار سخت خواهد بود و از روزهای درهم کشیده، از ربمان می‌ترسیم. دیگر خداوند ایشان را از شر چنین روزی در امان داشته و به ایشان روشنایی درخشان و یک شادی عنایت فرموده است." «سوره مبارکه انسان - 11-8».

مرحله سوم:

تعلیم اینکه «در برابر هیچ کس مسئول نیستی» برای کودک در زمانی که برابر هر سؤال، جوابهایی بر اساس تفکر داروینیزم می‌گیرد، راهی جز اینکه همان تفکرات را صاحب گردد نمی‌ماند. بعد از آن اگر او به آشکار هم این افکار را اعلام نکند، خود و اطرافیانش را انسانی تکامل یافته از نوع حیوان می‌بینند اما حالا یک مرحله مهم از تعلیم باقی مانده و آن هم تعلیم این انحراف فکری به کودک است که او جز در برابر خود، در برابر هیچ کس دیگری مسئولیت ندارد. بر اساس تلقین این اعتقاد باطل، اگر از آغاز تنها ماده وجود داشته و تنها ماده است که وجود خواهد داشت، تمامی زندگی و آفرینش در اثر تصادفات بوده، و علاوه بر آن اگر مرگ آنها یک نابودی و نیستی است در آن حال، برای انسان تنها چیزی که اهمیت دارد منافع مادی است. در دنیایی که تنها از ماده‌ها تشکیل شده برای ارزش‌های معنوی هیچ جایی باقی نمی‌ماند.

در چنین وضعیتی تنها چیزی که برای فکر کردن انسان می‌داند تطمین هوس‌ها و خواسته‌های شخصی از هر راه ممکن می‌باشد. آیه: «آیا شما، را در خلق نمدنتان بی‌هدف انگاشته و شما را به خودمان باز نخواهیم گرداند می‌پنداشتید؟» «آیا شما می‌پنداشتید که ما شما را در پی هدفی باطل آفریده و شما را به خودمان باز نخواهیم گرداند؟»

در قرآن کریم «سوره مومنون آیه 115» طرز نگرش و تلقی چنین انسانهای نادان را به ما نشان می دهد.

اما در حقیقت آنانکه زندگی را بدون هدف انگاشته و مرگ را پایان هر چیز تلقی نموده اند در اشتباهی بسیار بزرگ قرار دارند.

انسان در برابر ربمان که هر چیز را از نیستی خلق نموده، مسئول می باشد. او الله است که انسان را بر اساس یک تقدیر مشخص خلق نموده، گذشته، حال و آینده ی او را می داند و پس از مرگ حساب همه اعمال او را پرسیده و در برابر هر کدام از آنان پاسخ خواهد داد.

الله انسان را با روح و عقل و اراده و قدرت قضاوت متمایز از حیوانات آفریده است. یعنی یک انسان در صورت تمایل به انجام اعمال ناشایست و حتی در صورت تحریک به انجام چنین اعمالی، دارای قدرتی است که می تواند مانع از انجام آنها گردد. کسی که در این مورد آگاهی نداشته و یا واقعیت را نادیده می انگارد و بد، آشکارا می تواند برای اجتماعی که در آن زندگی می کند خطر ناک باشد. برای مثال شخصی که در برابر اتفاقی به راحتی کنترل خود را از دست می دهد به طرف مقابل خود بدون اینکه فکر کند می تواند صدمه زده، بی رحم گردد. در چنین شرایطی بی دفاع بودن شخص مقابل هیچ معنایی برای او افاده نمی نماید. برای او موضوع مهم خالی کردن خشم خویش است. اما کسی که دانا به این حقیقت می باشد که روحی که همراه دارد را الله به او عطا کرده و صاحب عقل و اراده می باشد، تحت هر شرایطی بر خشم خود حاکمیت دارد. دادگاه وجدان او هر زمان باز است. از کوچکترین حرکتی که قادر به باز دادن حساب آن به الله نباشد دوری می نماید.

در صورت انجام گناه هم بلافاصله توجه نموده و خطای خود را اصلاح می نماید. خداوند در قرآن کریم به آنانکه خود را پوچ و باطل تلقی کرده و مرگ را پایان همه چیز پنداشته و اعتقادی به حشر ندارند چنین می فرمایند:

"آیا انسان پنداشته که او به حال خد رها شده است؟ آیا وی قطره ای ریخته از منی نبوده است؟ بعد یک علق گردید، الله او را خلق نموده در تحت نظامی مشخص به صورت آوردن و بدین ترتیب آن را به صورت مردو زن قرار داد. پس آیا الله قادر به زنده نمودن مردگان نمی باشد؟" «سوره قیامت - 40-36».

در آیه ای دیگر الهام نمودن بدی و لزوم دوری نمودن از آن به انسان نیز بیان گردیده است «سوره شمس 10-7». بنابراین سبب اصلی انجام اعمال سوء اخلاقی و ارتکاب گناهان ایمان نداشتن به الله و بی مسئولیت بودن در برابر اعمالی که انجام می دهند می باشد. ایشان می پندارند که به الله حساب باز پس نخواهند داد. از الله نمی ترسند. در حالیکه خلقت انسان بر اساس هدفی صورت گرفته است: "انسان ها را برای اینکه به من عبادت کنند آفریدم." «سوره ذاریات آیه 56»

و با این آیه هدف از خلقت عبادت الله بیان گردیده است. انسان در حیات دنیوی از امتحانات مختلف گذرانده می شود. و در صورت بجا نیاموردن مسئولیتهایش مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. بعضی از این مسئولیت ها در سوره بینه بدین شکل مشخص گردیده است:

"در حالیکه ایشان موحدینی که دین را برای او خالص گردانیده اند و امر نشده اند مگر برای عبادت به الله، نماز را دوست خوانده و زکاتشان را بجا آورده اند. برآستی که دین صحیح این است." «سوره بینه آیه 5»

دین صحیح دین الله است. اما بسیاری از انسانها با تلقین هایی که از اول کتاب تا بدین سخن از آنها رانده ایم، از آن دور می گردند. در برابر انسانی که تحت تعلیم تفکر اجتماعی داروینیزم قرارگرفته انتخاب زیادی باقی نمی ماند. طرز نگرش به زندگی و انسانیت در این انسان ها تماماً در راستای تفکر ماتریالیست - داروینیزم شکل می پذیرد. پس از آن دیگر او تنها برای حفظ شخص خود و منافع مادی خویش مجادله خواهد نمود. اغلب زمانها تنها راه را در زورگویی، ظلم و حيله گری تلقی نموده، در ورطه کابوسی که در اثر بی دینی در آن فرو غلطیده از گناهی به

گناه دیگر می شتابد. و علاوه بر این در چنین شرایطی هیچ عامل بازدارنده و متوقف کننده ای در برابر او نخواهد ماند. بر تعداد انسان هایی که مرتب به دنبال بلا می گردند، به انسانهای بی دفاع حمله می کنند، حق مظلومان را غصب نموده، در پی پایمال کردنشان می باشند.

لذت برندگان از زورگویی، خون و کسانی که اشک چشم دیگران را مسخره می نمایند و بطور خلاصه دورشوندگان از خصائص انسانی هر روز افزون می گردند. و مهمترین عامل اینها هم تلقین های ترسناکی است که توسط دین دجال صورت گرفته و عوامل ذکر شده در بالا را اجزایی غیر قابل تفکیک از زندگی روزمره انسانها نشان می دهد.

مذاهب دین دجال

در احادیث مشخص گردیده است که فتنه دجال تمامی دنیا را فرا خواهد گرفت و شاهی بر این هم گروندگان به آن سیستم از هر ملت و دینی خواهد بود. به خاطر بزرگی این فتنه تعداد بسیار زیادی از انسانها دانسته یا نادانسته به دام این فتنه خواهند افتاد. اینها حتی نادانسته به دنباله روی شیوه زندگی که دجال از آن حمایت می نماید، در راه او قدم می گذارند، به سخن دیگر جهان بینی آنها هرچه باشد، تمام کسانی که به طریق حمایت از ناآرامی ها (آناشویی) زورگویی، و اعمال خشونت و حامیان خشونت، خود و کسانی که امنیت و آرامش ما را از بین می برند همه و همه تابع دین دجال گردیده اند.

در کنار این، در دین دجال مذاهب مختلفی نیز وجود دارد. با بررسی تاریخ صد سال گذشته، اثرات مخرب دو ایدئولوژی اساسی که از داروینیزم منشا گرفته اند را می بینیم: کمونیزم و فاشیسم.

این دو ایدئولوژی را به عنوان مادر مذاهب دین دجال می توان تلقی نمود. بنیان گذاران هر دو ایدئولوژی، وابستگی به سیستم تفکر داروینیزم داشته اند و هر دو مکتب نیز تحت تاثیر عمیق داروینیزم بود دارند. ضمن بررسی نزدیک این مکاتبی که باعث بروز فلاکت های بسیاری برای انسان شده اند، تابلوهای قابل

توجهی به چشم می خورد، هر قدر که این دو مذهب در ظاهر متضاد با یکدیگر جلوه می نماید، هر دو مکتب دارای نقاط مشترک زیادی هستند و آشکار است که هر دو از یک منشا یعنی داروینیزم تغذیه می نمایند.

برای اطلاعات بیشتر می توانید به کتاب: (بلاهایی که داروینیزم به دنیا آورده. اثر همین نویسنده مراجعه نمایید.) نقاط مشترک میان این دو مذهب و داروینیزم را بطور خلاصه می توان چنین شمرد:

داروینیزم

- منشا این تفکر انکار وجود خالق بوده، هدف اصلی آن تاسیس جوامعی به دور از اخلاق دینی می باشد. داروینیزم دینی بر مبنای اله نمودن تصادفات و اتفاقات می باشد.

- تئوری «جنگ برای تنازع بقاء» در طبیعت و بنابر آن حاکمیت بی رحمی را ادعا می نماید. بر اساس این ادعا جنگ برای تنازع بقا در میان جانداران دیگر برای انسان ها نیز معتبر می باشد. در محیطی که هر انسان دیگر را برای خود رقیب می بیند، حرص، غضب و نفرت، احساس های کاملاً عادی و طبیعی برای انسان شمرده می شوند.

- در جنگ تنازع بقا جایی برای خوش بینی، و جهت و دیالوگ (گفت و گوی دوطرفه) وجود ندارد. اگر تنها قدرتمندان توان برپا ایستادن داشته باشند در چنین وضعیتی خوش بینی، مرحمت و دیالوگ، موضوعات آخر در فهرست احتیاجات انسان خواهند بود.

□ داروینیزم عبارت از یک حيله گری بزرگ می باشد. تمامی ادعای داروینیزم بر اساس اثبات علم جدید انکار گردیده است.

کمونیزم:

- دین را مانند مواد مخدر عنصری برای به خواب کشاندن اجتماعات تلقی می نماید، در تمامی جوامعی که حاکمیت یافته اولین حرکتش بر علیه دین بوده است.

- بر اساس گفته لنین که: «پیش رفتن در نتیجه مجادله اضعاف است.» ترقی و پیش روی را تنها بر اساس مجادله و درگیری قابل تحقق می دانند. بر اساس این ایدئولوژی پیشرفت و توسعه بدون خونریزی امکان پذیر نیست.
- عملیات مسلحانه و انقلاب وسایل غیر قابل اجتناب برای کمونیزم می باشند و در ریشه و اساس انقلاب دو عملیات مسلحانه کینه و نفرتی است که در اجتماعات بر علیه دیگر اقشار وجود داشته و با حس انتقام جویی، غضب و بی رحمی جلوه می نماید.
- کمونیزم مخالف هر گونه تمایز است. متفاوت بودن تنها یک معنا دارد: عاملی از یک مجادله و تضاد. در رژیم های کمونیست هر چیز از جمله انسان تنها با یک شکل وجود دارد. در برابر این تک شکلی هر حرکتی و هر شخصی به عنوان دشمن تلقی شده و سخت ترین تدابیر بر علیه آن بکار گرفته می شود. در چنین محیطی، احتمالی برای وجود خوش بینی و دیالوگ وجود ندارد.
- کاربرد مفاهیمی مانند برابری، عدالت اجتماعی و آزادی که از طرف کمونیزم برای افزایش تعداد هواداران بکار گرفته می شود، با مقایسه با عملکرد کمونیزم در واقعیت اثبات می شود که حيله ای بیش نبوده است. برای رژیم کمونیست که سرکوبگر می باشد بکارگیری این مفاهیم چیزی جز عناصر تبلیغاتی نمی باشند.

فاشیسم

- فاشیسم و تمامی جلوه های حاکمیت آن تماماً با اخلاق دینی در تضاد کامل است .
یکی از بارزترین خصوصیات فاشیسم ، در جهت اهدافی که خود «مقدس» می پندارد توانایی گرفتن جان هزاران انسان را نشان داده و هم آن را یک مزیت دانسته است . به این جهت جنگ و درگیری برای فاشیسم چیزی در حد شرط غیر قابل قبول می باشد .

- کینه و نفرت نسبت به نژادهای مختلف یکی از تکیه گاه های اساسی در فاشیسم است . این ادعای نژادپرستانه نقطه اصلی شروع جنگهای بی شمار ، درگیری ها، قتل عام ها و تصفیه نژادی می باشد.
- در فاشیسم نظامی بسیار سخت و جدی حاکمیت دارد. هر نوع تفکر مخالف از ریشه نابود می گردد. سوزانده شدن هزاران کتاب در دوران هیتلر تنها به جرم محتوای افکار غیر آلمانی تنها یک نمونه برای چنین ذهنیتی می باشد.
- فاشیسم برای در دست گرفتن کنترل انسانها به ایشان برتری نژادشان بر دیگر نژادها را القا می نماید. و در چنین شرایطی هدف تشکیل سیستمی بر پایه برتری نژاد می باشد. در صورتیکه در شرایطی که نژادی ادعای برتری بر دیگران را نماید توقع پایان یافتن جنگها و درگیری ها بی مورد خواهد بود. بلاهایی که بدست هیتلر و موسولینی به عنوان فاشیست های دیکتاتور بر سر ملت هایشان آمده ، از مهمترین موارد اثبات کننده فریبکاری مدافعان این تفکرها ست. مواردی که در بالا اشاره شد تنها موارد معدودی از بسیاری از شواهد بر علیه این ایدئولوژی ها می باشند. زمانی که به شیوه زندگی روزمره در این ایدئولوژی ها نگاه می کنیم ، سرکوبی و وحشت را آمیخته با آن می بینیم . اما نکته اصلی گرویدن بسیاری از انسانها به دجالیت و ایدئولوژی وابسته به آن علیرغم تخریباتی است که آنها به جوامع وارد نموده و می نمایند. از این رو بر روی چگونگی ایجاد سلطه توسط سیستم دجال بر روی انسانها می بایست بررسی گردد. زیرا انسانها در یک آن تبدیل به افرادی متهاجم ، بی رحم ، پر از نفرت و کینه و در پی انتقام نمی گردند. همانگونه که قبلاً نیز ذکر کرده ایم ، این تنها با آلوده نمودن مرحله به مرحله انسانها به سیستم دجال صورت می پذیرد . این روند همزمان با شروع حس کنجکاوی در کودکان آغاز شده و در طول عمر با انجام تلقین های مستمر ادامه می یابد، و پایه اساسی در این تلقین ها دور نمودن

انسان ها، از ایمان به الله است . در میان این مذاهب اصلی سیستم دجال که در حال بررسی آنان هستیم نیز گروه های مختلف وجود دارند. در بخش های بعدی کتاب در ضمن بررسی جنبه های یگانگی دجالیت و تروریسم، از این زیرگروه ها مثالهای مختلف ذکر خواهد شد. اما قبل از آن بررسی چگونگی تشریح دجالیت در قرآن کریم مفید خواهد بود.

شخصیت دجال ، آنگونه که در قرآن بیان گردیده :

بین احادیث پیامبرمان (ص) که در آنها از دجال سخن رفته و آیاتی از قرآن کریم که در آن ها از شخصیت گناهکاران بحث شده شباهتهای بسیار دیده می شود. در آیاتی از قرآن کریم که در آنها مشخصات سوء اخلاق ذکر گردیده به مواردی از انکار حق مانند دروغگویی، بی عدالتی، بی رحمی ، ظلم ، تفرقه اندازی میان انسانها برای ترویج هرج و مرج و سرکوبی تلاش ، و سعی برای دور نمودن انسانها از اخلاق دینی بر می خوریم که از خصوصیات زیر بنایی داروینزیم به شمار می رود.

افرادی که خداوند در قرآن کریم به عنوان گناهکار مورد دقت قرار می دهند طرفداران زشتی یعنی ایجاد کنندگان ناآرامی و ترور بر روی زمین بوده و برای زمینه سازی آن ، هم طراحان فریبها و دامهای مختلف می باشند. این انسانها حدود و مرزهایی که خداوند قرارداده را نشناخته و از آنها گذشته اند، زندگی خود را براساس عدم اخلاق دینی پایه ریزی نموده و متمایل به اعمال گناه می باشند. " بدون هیچ تردیدی گناهکاران در ورطه گمراهی و دیوانگی هستند. " «سوره قمر آیه 47»

چنانکه در این آیه قرآن کریم ذکر گردیده کسانی که تابع این راه می باشند در مسیر گمراهی قرار دارند، در قرآن خصوصیات مختلف گناهکاران بیان گردیده و در برابر ایشان نیز انسانها را چنین هشدار می دهد:

"کیست ظالم تر از آن شخصی که در برابر الله دروغ بافته، افترا زده ، آیات او را انکار نماید ؟ بدون تردید او گناهکاران را نجات و رستگاری نخواهد بخشید. " «سوره یونس آیه 17»

"قسم که نسل های پیش از شما را بدلیل ایمان ناشایست ایشان ،علیرغم دلایل آشکاری که پیامبران آورده بودند،بدلیل ظلمی که نمودند،به نابودی محکوم نمودیم .چنین است مجازات ،در برابر جوامع گناهکار." «سوره یونس آیه 13»

در قرآن کسانی که آرامش وامنیت را از بین برده در میان انسانها ناآرامی بوجود آورده و کمین کنندگان برای ترویج زشتی بر روی زمین ، نیز به عنوان گناهکاران ذکر گردیده اند .از خصوصیات بارز ایدئولوژی هایی که داروینیزم را مبنای تفکر خود قرار داده اند (مانند کمونیزم و فاشیسم) بر هم ریختن نظام اجتماع و ایجاد ناآرامی در آن را اگر در نظر بگیریم ،در میان کسانی که بر اساس آن سیستم ها زندگی نموده و یاتلاش برای ترویج آنها دارند،انسانهایی که خصوصیات ذکر شده در قرآن برای گناهکاران را در خود دارند تشابه بسیار وجود دارد. در یک آیه چنین بیان می گردد: " بدین ترتیب،ما در هر جامعه ای حيله گران و فریبکاران قرار دادیم که گناهکاران آنجا گردند. در صورتیکه ایشان حيله ها و فریب ها را بر علیه خود انجام می دهند ولی به آن شعور ندارند." «سوره انعام آیه 123»

چنانکه در این آیه مشاهده می گردد،این افراد برای ترویج سیستم خود نقشه هایی ریخته و طرح های مختلف ایجاد خواهند نمود. در چنین شرایطی مجادله ای فکری که بر علیه چنین افرادی صورت می گیرد،در نهایت اهمیت می باشد. زیرا برای استقرار امنیت و آرامش بجای ناآرامی و درگیری ها،صلح به جای درگیری ها ،تنها با ممانعت فعالیت این افراد امکان پذیر خواهد بود. این هم تنها با افشای زیر بنای فکری چنین افرادی و نشان دادن پوسیده بودن آن و ویران نمودن آن توسط این مجادله فکری امکان پذیر می باشد.چنین مسئولیتی را نیز تنها ایمان آورندگان می توانند بدوش بگیرند. زیرا فعالیت های دجالیت بر روی ایمان آورندگان هیچ تاثیری نمی گذارد. ایمان آورندگان کسانی هستند که از داشتن خصوصياتی شبیه به گناهکاران به شدت دوری می نمایند.

مسئولیت ممانعت از ایجاد نا آرامی ها و فتنه بر روی زمین توسط ایمان آورندگان از زبان الله چنین بیان گردیده است:

"در نسلهای پیش از شما بغیر از تعداد کمی که نجاتشان دادیم، آیا اشخاص صاحب فضیلت که مانع از ایجاد فتنه و تخریب گردند وجود نداشتند؟ در حالیکه ظالمان در پی رفاهی که در آن غوطه می خوردند افتادند. آنان گناهکارانی مجرم بودند." «سوره هود آیه 116»

شخصیت دجال بر اساس سرکشی نفس بنا گردیده است .

یکی از مهمترین خصوصیات گناهکاران این است که بجای انتخاب و ترجیح اخلاق قرآنی، خواسته ها و امیال شخصی را رهبر خود قرار داده اند. در حالیکه تابعیت از نفس برای انسان بلای بزرگی به شمار می رود. تابعیت نفس در انسان با یک درگیری درونی شروع شده و باعث بی هدفی و سرگردانی در زندگی می گردد. در عوض آرامشی که با تابعیت وجدان برای انسان حاصل می گردد، شخص در چنان وضعیتی عدم اعتیاد به نفس، پریشانی خاطر و عدم آرامش احساس می نماید. " زیرا نفس - به غیر از آنان که رجم مورد رحمت قرار داده - با تمام قدرت امر به بدی می نماید." «سوره یوسف آیه 53»

چنانچه در این آیه بیان می گردد، نفس همواره امر به بدی می نماید. هرزمان به دنبال شناساندن و چشاندن عادات و احساسات ناشایستی مانند کینه، انتقام، غضب، بی رحمتی، بی احترامی و عدم مسئولیت می باشد. در صورتیکه شخص ایمان آورنده به ندای وجدان خویش و نه به وساوس نفس خود گوش فرا داده، اراده خود را به کاربرده و اخلاق زیبای خود را نشان می دهد. زیرا الله در قرآن انسان را امر به دوری از بدی های نفس خود نموده است و انسان با تابعیت وجدان خود قادر به اجرای این اوامر الهی می باشد. یعنی انسان همان گونه که بدیها را می شناسد همانگونه علم به خوبی ها و زیبایی ها نیز دارد. و می داند چگونه خود را به بهترین شکل از بدی ها حفاظت نماید. این واقعیت در آیات قرآنی به این شکل بیان می گردد:

"قسم به نفس و به آنکه آن را در نظامی شکل داده و سپس آن اجازه گناه و بدی - و دوری از آن را الهام نموده ، هر که آن را (نفس) پاک نموده بدرستی رستگاری یافته . و هر آن که آن را (با عصیان ها، گناهان) پوشانده نیز البته سقوط نموده است." «شمس آیه 7-10»

علیرغم این ، بخش بزرگی از انسانها ندای وجدان خویش را به حد خاموشی رسانده و دیگر صدای آن را نمی شنوند و به جای آن اراده خود را بدست نفس سپرده اند. میان انسانی که تابع ندای وجدان خود شده و آنکه تابع وسوسه نفس خویش گردیده تفاوت های عمده ای وجود دارد. شخصی که تابع ندای وجدان خود باشد در هنگام رو در رو شدن با اتفاقاتی که می تواند موجب خشم گردد، خود را کنترل نموده و با میانه روی رفتار می نماید. در حالیکه شخصی که تابع نفس خود است در چنین شرایطی می تواند خود را تسلیم غضب خویش نموده و بر اساس خصلت های کینه و انتقام می تواند حرکت نماید. به همان صورت، شخصی که معروض بی عدالتی قرار گرفته با گوش دادن به ندای وجدان خود، می داند که باید با حق و عدالت و نه با بی عدالتی واکنش نشان دهد. در حالیکه شخص تابع نفس خویش در برابر شخصی که به او حق ناشناسی نموده باشد مایل است با شدت بیشتری پاسخ دهد. شخصی که تابع وجدان خویش بوده ، با مرحمت ، خوش بین، صبور، و فداکار بوده اما کسی که تابع نفس خویش باشد، بی رحم ، ظالم ، بی صبر و خودخواه خواهد بود.

در نتیجه در اجتماعی که تابعین نفس در اکثریت قرار داشته باشند سخن از صلح، آرامش، امنیت امکان پذیر نمی باشد. چنانکه الله بیان فرموده اند در صورتیکه انسانها تابع نفس خویش گردند بر روی زمین نظمی باقی نخواهد ماند:

"اگر حق ، تابع هوای نفس ایشان می گردید، بدون تردید آسمانها، زمین و هر چه میان این دو باشد به نابودی کشیده می شد. نه ، ما به ایشان شائن و شرفشان را ارزانی داشتیم، اما ایشان از یادآوری آن روی برمی گردانند." «سوره مومنون آیه 71»

دقیقاً به همین دلیل است که دجال ارزشهای دینی و معنوی را هدف اساسی خود قرار داده است. زیرا اخلاق دینی، گوش فرا دادن به ندای وجدان را در انسانها و دوری از بدی ها را ایجاب می نماید. در حالیکه ایدئولوژی دجال تماماً متضاد آنرا می خواهد. از این رو هدف اصلی دجال نابودی عناصر به هم پیوستگی و وحدت اجتماع افرادی باشد، که در راس این عناصر اخلاقی دینی و ارزش های معنوی زائیده از آن می آیند. انسانها را برای درگیری باهمدیگر و ایجاد ناآرامی تشویق می نماید.

دجالیت را به عنوان نظامی تشکیل گردیده برپایه تابعیت نفس از سوی انسانها، در حدیثی از پیامبرمان (ص) چنین آمده است: «فتنه آخرالزمان آنقدر دهشت برانگیز است که هیچ کس بر نفس خود نمی تواند حاکم باشد.»⁶

علمای اسلام در تفسیر این حدیث بیان می دارند که دجال انسانها را تشویق به تابعیت آرزوها و امیال نفسانی خودشان خواهد گردانید.

به عنوان مثال بدیع الزمان سعید نوری در شرح این حدیث می گوید:

«انسان مغلوب نفس خود گشته به آتش آن فرو می افتد و می سوزد. دجال نفس پرستان را مانند پروانه ای به دور خود جمع نموده ایشان را از خود بی خود می نماید.»

⁶ . اسماعیل موتلو. علائم قیامت از دیدگاه تفاسیر بدیع الزمان . انتشارات موتلو. استانبول 1996. ص 83.

دجال بر روی زمین هرج و مرج ایجاد می کند.

مهمترین جنبه اثر منفی و مضر سیستم دجال بر روی انسانها ایجاد هرج و مرج بر روی زمین و به جای نگذاشتن آرامش و نظام می باشد. صفت اساسی دجال برای ایجاد هرج و مرج، سرکوبی، ترور ایجاد ناآرامی، می باشد. ایجاد هرج و مرج مفهومی بسیار وسیع است.

هر عنصر که باعث صلب آرامش انسانها شده صلح و امنیت آنها را از بین ببرد هرج و مرج نامیده می شود. جنگ میان دو کشور بدون هیچ سبب منطقی، جنگهای داخلی در کشورها، در میان گروه های مختلف، عملیات تروریستی که افراد بی دفاع و غیر نظامی را هدف قرار می دهند، وقایع روزمره سرکوبگرانه که هر روز در دنیا دیده می شوند، مثالهایی برای هرج و مرج می باشند، در دوران فعلی که هر روز بر تعداد جنگها، درگیری ها و سرکوبگریها افزوده می شود از زاویه نشان دادن ترویج هرج و مرج قابل توجه می باشد. تخریب و افساد در قرآن به عنوان یکی از تهدیدهایی که انسانها می بایست از آن دوری نمایند بیان گردیده است. الله انسانها را از ایجاد هرج و مرج منع نموده و عدم علاقه و محبت خویش را نسبت به آن دسته که هرج و مرج ایجاد می نمایند را اعلان نموده است. در یک آیه از قرآن در مورد منکران و اینکه ایشان چگونه ایجاد هرج و مرج نموده و تلاش ایشان برای ایجاد جنگها، درگیری ها، ناآرامی ها چنین بیان می گردد:

"ما هم میان ایشان دشمنی و کینه ای که تا روز قیامت دوام خواهد یافت افکنیم. ایشان هرگاه آتشی برای ایجاد جنگ مهیا نمودند الله آن را خاموش نموده است. آنها بر روی زمین در پی ایجاد تخریب (هرج و مرج) می باشند. درحالیکه الله هرج و مرج را دوست ندارد." «سوره مائده آیه 64»

همانگونه که ملاحظه شد این انسانها همواره در پی ایجاد جنگ بر روی زمین می باشند. جنگ، درگیری، ترور، آناارشی و این قبیل

اعمال خونریزانه از روش‌هایی است که دجال بیش از باقی روشها به دنبال انجام آن است.

در آیه دیگر این ذهنیت دجال به دین شکل بیان میگردد: "که ایشان عهد با الله را پس از به عهده گرفتن می شکنند، تمام رشته‌ها و ارتباطاتی که الله امر به اتصال با آنها فرموده را قطع می نمایند و بر روی زمین ایجاد فتنه (هرج و مرج) می نمایند. برآستی که خسارات بینندگان و ضررکنندگان اینان هستند." «سوره بقره آیه 27»

در حالیکه اخلاق قرآنی برای انسانها زندگی در میان صلح و امنیت و آرامش را می خواهد، هدفی که در قرآن نشان داده می شود ایجاد محیطی امن برای زندگی تمامی انسانها (بدون در نظر گرفتن دین و ملیت ایشان) می باشد. ایجاد نظامی این چنین نیز تنها با اعمال اخلاق دینی و حرکت انسانها مبتنی بر وجدانشان میسر میگردد.

در آیه بدین شکل می فرماید: "پس از اصلاح، بر روی زمین ایجاد فتنه و فساد نمائید. به درگاه او با خشوع و امید دعا کنید. برآستی که رحمت الله به کسانی که خوبی می نمایند بسیار نزدیک است." «سوره اعراف آیه 56»

فتنه و فساد درمیان انسانها با تشویق سرکوبی ترویج می گردد.
در اساس اخلاق فتنه گر و فاسد، خوش بینی و صبر جای خود را به حس های انتقام و کین داده است. کسانی که با جنگها و درگیری ها، ترورها، ایجاد فساد و فتنه می نمایند کسانی هستند که صبر کردن، حکم به عدالت کردن و با حرمت و بخشنده بودن را نمی دانند، و برای حل مسائل و مشکلات بجای تفاهم، متوسل به سرکوبی و شدت می شوند.

به همین شکل در دین دجال نیز انسان ها تفاهم پذیر نیستند و دقیقاً بر خلاف آن شخصیتی متهاجم و سرکوبگر عرضه می نمایند. این فرهنگی است که با تحریک احساساتی مانند کین، غضب و دشمنی میان انسانها ایشان را رو در روی هم قرار می دهد. چنانکه در احادیث شریف نیز آمده است، دجال در دورانی پا به عرصه خواهد

گذاشت که در آن کین، غضب و سرکوبگری رواج یافته باشد. و او از این محیط سود می جوید.

برخی از آن احادیث بدین ترتیب می باشند:

«دجال زمانی پا به عرصه خواهد گذاشت که دین ضعیف شده و علم کفایت ننماید.»⁷

«آن روزها روزهایی است که عقل در آن روزها زائل می گردد. انسانها یکدیگر را می کشند و در حالیکه قاتل از دلیل انجام دادن قتل و مقتول از دلیل کشته شدن خود آگاهی ندارند.»⁸

در اساس، این خصوصیات پایه های اساسی شخصیت شیطان راهم تشکیل می دهند. شیطان هم شخصیتی عصیانکار، عدم تفاهم پذیر، کینه ورز و پر غضب داشته و هدفش هم انسانها را در دنیا به این جهت سوق دادن می باشد.

به این جهت شیطان همواره تلاش در تخریب روابط میان انسانها دارد. الله این خطر را در قرآن کریم بدین شکل بیان می دارند: "به بندگانم زیباترین سخنان را بگو. زیرا شیطان در حال تخریب روابط میان آنهاست. بدون تردید شیطان دشمنی آشکار برای انسانها ست." «سوره اسراء آیه 53»

کسانی که تحت تاثیر شیطان قرار می گیرند در هنگام رو در رویی با اتفاقاتی که می توانند با خوش بینی از آنها گذشت نمایند، با زیاده روی آنها را بزرگتر از آنچه که هست تلقی می نمایند. در برابر هر چیزی و هر کسی که با طرز فکر ایشان مطابق نباشند خشمگین و غضبناک برخورد می نمایند. بر اثر خشمی که دارند و می ورزند، نمی توانند درست بیندیشند و اتفاقات را به چشم واقع بینانه و با عدالت بررسی نمایند. شیطان از وضعیتی که این افراد دچار آن شده اند سوء استفاده نموده این افراد را که قادر به تفکر صحیح و حرکت با شعور نمی باشند را تحریک به انجام گناهان می نماید. به ایشان تلقین می نماید که: تا زمانی که خشم خود را خالی ننمائید، آرامش نخواهید یافت. در

⁷ .مُسند. جلد سوم ص367. شعبان دوش. مهدی و دجال. انتشارات گنج نیک، طبع دوم . استانبول 1998. ص59.

⁸ . این ماجه . فتنه ها. مسلم . فتنه ها، شعبان دوش . مهدی و دجال. انتشارات گنج نیک . طبع دوم . استانبول 1998. ص59.

قرآن در داستانی که اتفاقات میان پسران حضرت آدم (ع) را شرح می دهد، نمونه ای بسیار با اهمیت از اثر تلقین شیطان و انجام حرکات بدون کنترل افراد پس از آن را نشان می دهد.

"برای ایشان خبر واقعی دو پسران آدم را بخوان. ایشان هرکدام یک قربانی که ایشان را به خدا نزدیک می سازد عرضه داشتند. قربانی یکی از ایشان قبول شد و دیگری قبول نشد. آنکه قربانیش قبول نشد، گفت که: تو را مطلقاً خواهم کشت. دیگری گفت: الله از اهل تقوی می پذیرد. اگر برای کشتن من دستانت را به سوی من دراز کنی. من برای کشتن تو دستانم را بسویت دراز نخواهم کرد. زیرا من از رجم که پروردگار عالمیان است می ترسم. بدون تردید در چنین صورتی می خواهم که از اهل آتش نشوی و گناهان خود مرا بدوش بگیری. مجازات ظالمان چنین است.

در نهایت نفس وی (با تحریک شیطانی و زیبا جلوه دادن گناه به او) کشتن برادرش را برا وی آسان نمود. بدین ترتیب او را کشت و از این جهت از زیانکاران گردید." «سوره مائده آیه 27-30)

چنانکه در آیات مشاهده گردیده، برادری که تابع تلقین شیطان گردیده و مغلوب نفس خود گشت و تحت تاثیر غضب و حسد حرکت نموده و این احساسات وی را به انجام جنایت ترغیب نمود. در حالیکه طرف مقابل با نشان دادن اخلاق دینی حتی در برابر رفتار مهاجمانه و ناحق طرف مقابل، اعتدال خویش را از دست نداده، اخلاق زیبای خود را نشان داده است. به همان شکل برادران حضرت یوسف (ع) در برابر نعمتهایی که خداوند به وی ارزانی داشته به وی حسادت و غضب نموده و قصد کشتن وی را نمودند. در حالیکه حضرت یوسف (ع) پس از گذراندن اتفاقات زیادی، زمانی که دوباره با برادرانش رو در رو می گردد، با خوش بینی و حسن نیت ایشان را عفو می نماید. این لازمه اخلاق برتر ایمان آورندگان به الله است.

در آیه ای اخلاق زیبای مسلمانان چنین بیان می شود:

"ایشان در ثروت و تنگدستی انفاق کنندگان هستند. غلبه کنندگان بر خشم خویش و درگذرندگان از حق خود که در دست دیگران

است می باشند. الله نيكي کنندگان را دوست دارد." «آل عمران آیه 134»

دجال انسانها را بسوی افراط سوق می دهد. دجال برای ایجاد فتنه و فساد بر روی زمین راه دیگری نیز دارد و آن تشویق انسانها به سوی افراط و زیاده روی و فاناتیسم می باشد. در این سیستم به انسانها در جهت اعتقادات، افکارها، و یا ایده آلهای خویش، افراط گری را مشروع جلوه می دهد. اهدافی را که می توانند از طریق دیالوگ و تفاهم بدست آورند به این ترتیب با خشونت سعی در بدست آوردن می نمایند. یک عصبانیت کوچک، یک غضب بی جا می تواند منجر به جنایات وحشیانه و حمله های بی رحمانه گردد. چون که انسان افراط گر از حسن نیت و تفکر مبتنی بر عقل دور می گردد، تصمیمات منطقی نمی تواند بگیرد و از روی وجدان، قضاوت نمی تواند نماید. این شخص تنها با احساسات خویش حرکت می نماید. عنصر حاکم بر روش رفتاری و عکس العمل های وی غضب و تندخویی است، بدین صورت از گروه ها، افرادی پا به عرصه می گذارند که بدون هیچ پرسش و ناراحتی وجدان می توانند اعمال زور و شدت نمایند. در حالیکه در اخلاق قرآنی انسانها تشویق به دوری از افراط و درنگزشتن از حدود می شوند.

الله در یک آیه از قرآن از انسانها می خواهد با عدم اطاعت از نفس خویش و دوری از افراط گری از این دام دجال دوری نمایند. "از آنان مباش که قلبهای ایشان را از یاد خود به غفلت سپرده ایم و ایشان را تابع نفس و هوس های خودشان گردانیده ایم. و از آنانکه در کارهای خود افراط گری می نمایند تبعیت مکن." «سوره کف آیه 28»

افراط گری انسان را از اخلاق قرآنی به دور می دارد. یکی از مهمترین خصوصیات ایمان آورندگان این است که تحت هر شرایطی اعتدال و میانه روی، تواضع و خوشخویی و خوش بینی خود را از دست نمی دهند. مسئولیت ایمان آورندگان ترغیب انسانها به خوبی نمودن و بازداشتن ایشان از انجام اعمال بد است. و این با

فهمانند اخلاق دینی به انسانها و با مجادله فکری با سیستم های فکری خارج از دین، مسئولیتی است که به جا آورده می شود. مومن در ضمن انجام این وظیفه خویش، می داند که این مسئولیت تنها در جهت فهمانندن واقعیات و راهنمایی انسانها می باشد. انسانها را با زور وادار به عملی نمودن به دلیل اینکه ایمان آورده اند جایز نمی باشد. الله به ایمان آورندگان می فرماید: "در دین اجبار وجود ندارد." «سوره بقره آیه 256» و

گوشزد می فرمایند که انسانها را نباید وادار به کاری کرد. هدایت کننده ی انسانها یعنی کسی که باعث ایمان آوردن آنها می گردد الله است. در حالیکه ایمان آورندگان تنها تلاش می نمایند وسیله ای در این راه باشند: "هدایت یافتن ایشان وظیفه ای برگردن تونیست، تنها الله است که آن را که می خواهد به هدایت می رساند." «سوره بقره آیه 272»

ویژگی مشترک تابعین به دجال:

حرکت با منطق شیطانی

«در کنار او (دجال) دو رودخانه وجود خواهد داشت. چشم یکی از آنها را آبی سفید و دیگری را آتش درحال فوران خواهد دید، اما تنها آنان که داخل می گردند در خواهند یافت که حقیقت تماماً بر عکس است.»⁹

«یکی از فتنه های وی (دجال) این است که بهشت و جهنمی برای خود دارد. بهشت او در واقع جهنم و جهنم او در واقع بهشت است.»¹⁰

حدیثهایی که در بالا ذکر گردید دو حدیث از شمار احادیثی است که در آنها نشان داده می شود که دجال به انسانها خوبی را زشت و زشتی را خوب جلوه می دهد. این یکی از خصوصیات شیطان نیز می باشد.

شیطان نیز مانند دجال ضمن فرا خواندن انسانها به ترور و آنارشی به انسان ها تلقین می نماید که راه او راه راست است و

⁹ .علامه محمد رسول الحسینی مدینه ای برزنجی. علائم قیامت. انتشارات با مرگ طبع هشتم. استانبول. ص 215.

¹⁰ . ایضاً. ص 226

تنها کسانی که پیرو او می باشند نجات خواهند یافت. ضمن فراخواندن انسانها به این دین، اخلاق و منش انکارگرایانه، ادعای خیرخواهی انسانها را می نماید: " بگو که: به جای الله، آیا چیزهایی که نه نفعی و نه ضرری دارند را پرستش نمائیم؟ و بعد از اینکه الله ما را هدایت نمود، ندای شیطان و یاران او را گوش فرا دهیم که می گویند: به راه راست به نزد ما آیند. بگو که بدون تردید راه الله راه واقعی است و ما امر شده ایم که خودمان را تسلیم امر ربمان نمائیم." «سوره انعام آیه 71»

به همان شکل ادعای اشخاصی که پیرو شیطان شده اند و می گویند ما جز خیر و خوبی چیزی نمی خواهیم در آیه ای چنین بیان شده است:

"اگر چنان است، پس چگونه وقتی که در نتیجه اعمال خودشان مصیبتی بر آنها وارد گردید که به تو روی آورده می گویند: بدون شک ما به جز خیر و نیکی و درستی چیزی دیگر را قصد نکردیم و به خدا سوگند می خورند." «سوره نساء آیه 62»

در سیستم دجال یکی از تکان دهنده ترین مثالها در مورد خوب جلوه دادن زشتی ها عادی تلقی نمودن جنگها و درگیریها است. همانگونه که دربالا ذکر نمودیم، انسانها به خود و اطرافیان خویش تلقین نموده اند که موثرترین روش برای رسیدن به اهداف، سرزدن به خشونت می باشد. کشتن انسانها و ضرر رساندن به انسانهایی را که کوچکترین گناهی نداشته اند را عملی در راه مجادله ای برحق می پندارند.

در هنگام برخورد با یک از افراد وابسته به گروه های ترور با مسببین جنگ در هر یک از نواحی دنیا، به ایشان از حقانیت خویش در توسل به خشونت صحبت خواهند نمود. در حالیکه این اشتباهی بزرگ و عین ظلم است.

توسل به خشونت و زور در برابر انسانهای بی دفاع و بی گناه در هیچ مجادله ای برحق نیست.

در اساس این اشتباه، بر پایه هماهنگی افراد ذکر شده با شیطان و پیرو آن یعنی دجال بنا شده است. بنابر تعبیر دیگر

در اساس این اشتباه با حرکت افراد ذکر شده بر اساس منطق شیطان وجود دارد.

در حالیکه خالق همه موجودات و همه چیز یعنی الله به انسانها امر نموده که دنباله روی از شیطان ننمائید. الله این فرمان خود را در آیات قرآن چنین بیان می فرمایند:

"ای انسانها از خوردنیهای تمیز و حلال که بر روی زمین وجود دارد بخورید و دنباله روی از راه شیطان ننمائید. بدرستیکه او دشمنی آشکار برای شماست." «سوره بقره آیه 168»

"حقیقت این است که شیطان دشمن شماست پس شما نیز او را دشمن خود بگیرید. او پیروان خود را تنها به آتش فروزان جهنم دعوت می نماید." «سوره فاطر آیه 6»

علیرغم تمامی فرامین ربمان ، عقل و قلب شخصی که بر اساس منطق شیطانی حرکت می نماید بسته می گردد . این بستگی که در عقل و قلب بوجود می آید مشخصه عمومی منکران و دور شوندهگان از اخلاق دینی می باشد.

در قرآن کریم به افرادی که با وجود داشتن چشم قادر به دیدن نیستند و با وجود داشتن گوش قادر به شنیدن نیستند جلب توجه شده است .

الله نحوه مهر نهادن بر قلب این اشخاص را چنین بیان می فرمایند: "بدون شک ، انکار کنندگان را هشدار دهی یا ندهی ، برای ایشان فرقی ندارد. آنها ایمان نخواهند آورد. الله قلبها و گوشهای آنان را مهر زده . بر روی چشمان ایشان پرده هایی هست و عذاب عظیم از آن ایشان است ." «سوره بقره آیه 6-7»

"قسم یاد می شود که ما در قرآن برای انسانها همه مثال ها را نشان دادیم . بدون شک تو زمانی که با یک آیت بنزد ایشان می آیی ، آن انکار کنندگان ، بدون تردید خواهند گفت : شما حداکثر از گمراه شدگان می توانید باشید . الله بدین صورت قلب ناآگاهان را مهر می زند ." «سوره روم آیه 58-59»

"آنها قلب دارند اما با آن درک نمی کنند. چشم دارند اما با آن نمی بینند گوش دارند اما با آن نمی شنوند . آنان به مانند

حیوانات هستند حتی پست تر. چنین است احوال غافلان. «سوره اعراف آیه 179»

چنانچه از آیه فوق اشاره گردیده کار نکردن حواس سمعی و بصری نشانه های مردن قلب می باشد. چنین حالت (بسته بودن شعور) از نشانه های پیروان سیستم دجال می باشد که وجدانهایشان را تماماً ترک نموده و قدرت تمیز خوبی از بدی را از دست داده ، افرادی ظالم می باشند. چنین اشخاصی مطلقاً اهمیتی به ضرری که اتفاقات به خود ایشان و محیط ایشان وارد می سازد نمی دهند و به راحتی به دیگران ظلم می نمایند. آنها تسلیم دروغ های دجال شده آغاز به دیدن معکوس می نمایند. یعنی بدی را خوبی و خوبی را بدی می بینند.

وضعیت چنین اشخاصی در قرآن بدین شکل بیان می گردد:
"انکار کنندگان آیات ، کوران و کرانی در تاریکی می باشند .
الله هر که را اراده نماید به گمراهی سپرده و آنکه را که اراده نماید هدایت می نماید." «سوره انعام آیه 39»
الله عاقبت افراد ظالمی را که با شیطان همراهی نموده و تلاش برای ترویج منطق شیطانی بر روی زمین می نمایند ، و کیفری که خواهند یافت را چنین بیان می نماید:

"شیطان به ایشان وعده ها داده ایشان را به بدترین گمراهیها می کشاند . در حالیکه شیطان به ایشان وعده ای جز فریب نمی دهد. مکان استوار آنها جهنم است . برای ایشان از آن فراری نیست." «سوره نساء آیه 120-121»

دامهای مهیا شده از طرف دجال نیز تحت کنترل الله می باشند. پیامبرمان (ص) در احادیثی به بزرگی دامهای دجال اشاره فرموده و به ما در مورد آن دامها هشدار داده اند . در واقع هم فتنه های سیستم دجالیت (به جز آنانکه ایمانی خالص دارند) تا اندازه ای که تمام انسان ها را فرا گیرد بزرگ می باشد. تفکر همه جانبه در مورد سقوط اخلاقی و محیط کابوسی که در حال حاضر در دنیا وجود دارد برای درک عمیقتر اثرات این فتنه ها راهگشا خواهد بود. بدون توجه به اینکه ناظر به این موضوع از کدام کشور ، کدام ملیت ، کدام نژاد باشد ، همه انسانها شاهد و ناظر

این سقوط و تخریب و فتنه می باشند. اما در اینجا نکته ای وجود دارد که نمی بایست فراموش گردد که در آن آیات زیادی از قرآن بیان شده که صاحب واقعی همه دامهای مهیا شده از طرف بی ایمانان نیز الله میباشد.

الله برای امتحان انسانها و بیرون آوردن صالحان از میان ایشان تربیت ایشان، و از طرف دیگر نشان دادن کفر انکار کنندگان و بسیاری حکمتهای دیگر، فعالیتهای شیطان بر روی زمین و بالطبع دجالیت را نیز در چهار چوب تقدیر آفریده است. اما دجالیت در آفرینش و از آغاز بصورت مغلوب شده مطلق آفریده شده است. از همین رو دامهای انکار کنندگان به اذن الله، دامهایی بوده اند که هیچ گاه به موفقیت نخواهند رسید. در آیه ای این سر الهی چنین بیان گردیده است: "واقعیت این است که ایشان دامهای فریب گسترده در حالیکه نظامهای آنان اگر در حد جاجا کردن کوهها نیز باشد. در نزد الله نظامهایی در برابر آنها آفریده شده و حاضر می باشند." «سوره ابراهیم آیه 46»

در طول تاریخ انکار کنندگان و مشتاقان به سوق دادن دیگر انسانها به انکار، دامهای مختلفی گسترده اند. اما تمامی این دامها در نتیجه قوانین الهی خنثی گردیده و به صاحبان اصلی خود بازگشته است.

این قانون غیر قابل تغییر الهی است. در آیه ای چنین ذکر گردیده است: " هنگامی که هشدار دهنده ای بسوی آنها می آید این تنها به افزایش نفرت ایشان می انجامد، هم زمانی که تکبر و زشتی را بر روی زمین اشاعه می دهند. در حالیکه هر عملی براساس فریب تنها به صاحب خود بازگشته او را در بر می گیرد.

آیا ایشان به امید تفسیری در قانون الهی می باشند؟
تو بدون هیچ تردیدی در قوانین الهی هیچ تفاوتی نخواهی یافت."
«سوره فاطر آیه 42-43»

دقیقاً چنین سرانجامی در مورد سیستم فکری دجال و دامها گسترده توسط او نیز صادق است. این دام خاص گسترده شده در سیستم دجال به هدف دور کردن انسانها از راه الله می باشد.

دامه‌های گسترده شده هر قدر بزرگ ، طرح های ریخته شده هر قدر وسیع و فراگیر و موثر باشند، همه تحت کنترل الله قرار دارند. هم دجال و هم دامه‌های گسترده شده توسط وی تنها ، به دلیل خواست الله وجود یافته اند.

چنانکه در آیه : "تا زمانیکه الله نخواهد شما نمی توانید بخواهید." «سوره انسان آیه 30» نیز ذکر گردیده تا زمانی که الله نخواهد هیچکس هیچ چیز نتواند خواست ، هیچ کس قدرت گستردن دامی و یا آن را به عرصه ظهور رساندن نیز نخواهد داشت.

ترور: آئین دجال

تا این بخش ، بزرگترین فتنه آخرالزمان یعنی دجالیت را و اینکه چگونه روشی است و تابعین این روش صاحب چه نوع شخصیتی می باشند ، را مورد بررسی قرار داده ایم.

در این بخش یکی از مهمترین فتنه های دجال یعنی ترور را مورد کنکاش قرار می دهیم . واژه ترور همزمان با اینکه در روزگار ما یکی از متداولترین مفاهیم گردیده است ، در مفهوم خود در میان اقشار مختلف جوامع دریافت همسانی از معنی خود نشان نمی دهند. یکی از دلایل اساسی این غیر همسانی در تلقی مفهوم ترور ، نامگذاری خود افراد به عنوان جنگجویان آزادی خواه از سوی عده ای و تلقی همان افراد از سوی برخی دیگر به عنوان تروریست می باشد. در حالیکه (هدف هرچه می خواهد باشد) معقول تلقی نمودن توسل به خشونت و نابود نمودن افراد بی گناه در جریان این گروه از اعمال امکان پذیر نمی باشد ، انسانها و یا جوامع در پی خواسته‌های مختلفی برای خود محق هم می تواند باشد و حتی متوسل به خشونت نمی بایست باشد. دفاع نیز تنها در برابر نیروهای مسلح تحقق پذیر می تواند باشد . از این رو هدف ، قرار گرفتن انسانهای بی گناه و بی دفاع در هر گونه عملیات خشونت آمیز و درگیری را در اصل می توان نوعی عملیات تروریستی تلقی نمود . استراتژی اساسی ترور با ایجاد ترس در میان انسانها و دستیابی به جایگاه قدرتمند شدن می باشد.

ترس نقطه اتکای ترور می باشد.

گروه های تروریستی بجای تحقق بخشیدن خواسته های خود از راههای دموکراتیک دست به عملیات خشونت آمیز می زنند که در تصورشان اثر بیشتری دارد. به تصور این اشخاص یک عملیات هر قدر بی رحمانه تر و بی انصافانه تر باشد به همان نسبت ترس بیشتری القا نموده ، به عبارت دیگر ایشان را به هدفشان نزدیکتر می سازد . یکی دیگر از وحشتناکترین خصوصیات ترور ، شناختن هیچ قانون و هیچ ارزش اخلاقی می باشد. شخصی که به ترور دست می زند صاحب مرحمت ، شفقت ، قدرت عفو و خوش بینی نمی باشد. حرکت دهنده چنین شخصیتی احساساتی مانند کینه ، غضب و انتقام جویی می باشد. چنین شخصی بدون ادراک و شعور، بدون اندیشیدن به اینکه به کجا راه می سپارد، تنها برای فرو نشانیدن غضب خویش به دنبال انتقام گرفتن است . و اثرات تخریبی که این عملیات به جا خواهد گذاشت کوچکترین اثری بر روی وجدان ایشان نمی گذارد. زیرا وجدان و در نتیجه عقل و فراست و بصیرت پی بسته شده است .

در حالیکه در اخلاق قرآنی جایی برای خشم و غضب وجود ندارد. الله در آیات قرآن به انسانها می فرماید در صورتی که پیروی از محرکهای نفسانی مانند خشم نمایند بر روی زمین افساد و اغتشاش روی خواهد داد . از این رو همواره انسانها را به پیروی از رفتار مبتنی بر خوش بینی ، صلح ، دوستی و تفاهم امر فرموده است . در صورتی که انسانها پیروی از چنین منش و رفتاری نمایند ، سیستم مبتنی بر خشونت دجال از اساس فرو خواهد ریخت و زمینه لازم برای ایجاد ترور و هرج و مرج از میان برخاسته و پایان نظام مبتنی بر هرج و مرج بر روی زمین فرا خواهد رسید . الله در یکی از آیات خویش رفتار مبتنی بر اخلاق قرآنی را چنین بیان می فرماید :

" تو راه بخشش را در پیش گیر ، آنچه که صلاح است (اسلام را) (عرف) را امر کن و از نادانان روی برگردان. " «سوره اعراف آیه 199»

آنان که به نام دین اعمال تروریستی انجام می دهند، در حالیکه اخلاق دینی هر نوع اعمال تروریستی را به شدت منع می نماید.

برخی گروه ها تشکل خود را بر اساس دین اعلام می نمایند . اما در صورت بررسی جهان بینی افرادی که اقدام به قتل عام ها و اعمال خشونت آمیز می نمایند ، ملاحظه خواهد شد که این ها افرادی در نهایت انحطاط می باشند. این انسانها هیچ اطلاعی از دین واقعی نداشته و زندگی مبتنی بر اخلاق دینی نداشته اند و اصولا افرادی می باشند که اخلاق دینی را ادارک ننموده اند. زیرا ضرر رساندن به انسانهای بی گناه و بی دفاع تحت هیچ شرایطی توسط شخصی که از الله ترسی به دل داشته و پیرو کتاب نازل شده از سوی او می باشد صورت نخواهد گرفت. از این رو گروه هایی که اقدام به اعمال تروریستی و یا خشونت آمیز می زنند را به نام گروه های دینی خواندن نادرست می باشد.

پیام واقعی یک دین و یا یک سیستم فکری دیگر گاهی از سوی طرفداران همان دین یا سیستم فکری به اعوجاج کشانده شده و یا نادرست تفسیر می گردند . این واقعیت همانگونه که در مورد مسیحیت صادق است درباره یهودیت نیز مصداق دارد. به عنوان مثال صلیبیان که در اواخر سده دوم به هدف فتح خاکهای فلسطینی از اروپا حرکت نمودند مسیحیان اروپایی بودند. آنها به ظاهر با هدفی دینی به راه افتادند اما از هر جا که گذشتند وحشت و ترس از خود به جا گذاشتند. هیچ تردیدی نیست که آنچه این وحشیان از سر تفسیر نادرست مسیحیت (که بدون تردید هیچ راهی برای خشونت باز نگذاشتند و خود دین محبت است) انجام دادند . هیچ ارتباطی با دین مسیحیت ندارد. اکثر افرادی که به نام دین به خشونت توسل می جویند نه به دین های الهی بلکه به انواعی از اعتقادات بت پرستانه و یا انواع جدید ایجاد شده اعتقادات پای بندی افراطی دارند. افراد این گروه ها اغلب در امریکا و ژاپن و کشورهای دیگر نسبت به طرفداران خود و هم نسبت به دیگر انسانها اعمال خشونت آمیز وحشتناکی انجام می دهند.

در میان اینها عده ای که در یک مزرعه خود را سوزاندند و یا در رختخوابهای خود به صورت دسته جمعی اقدام به انتحار نمودند ،

و از این جمله گروهی در ژاپن که با پخش گاز سارین در یکی از قریه های ژاپن به انسانهای بی گناه بی شماری ضرر رساندند ، وجود دارد. از جمله گروه های دیگری که با اعمال خشونت های خود جلب توجه نموده اند ، گروه های نژاد پرست کوک لوس کلان ها و یا نئونارسی ها می باشند.

به خصوص در طول بیست سال گذشته ، افزایش چشمگیر افکار نژادپرستانه و فاشیستی باعث افزایش اعمال خشونت آمیز گردیده است . چند سال قبل حرکتی برعلیه ترکهای مقیم آلمان و در برخی دیگر از کشورهای اروپایی ، اعمالی بر علیه آسیایی ها و افریقایی های مقیم آن کشورها ، از جمله آن ها می توان شمرده فراموش نباید نمود که اساس هر حرکت منحرف (که در این کتاب ذکر گردیده یا نگردیده) دوری انسانها از اخلاق دینی ، و رشد همراه با عدم آگاهی دینی می باشد.

اخلاق دینی که مسیحیت و یهودیت هر دو آن را قبول داشته اند به طور مطلق در برابر سیستم مبتنی بر خشونت و وحشت دجال قرار دارد. محبت ، شفقت و مرحمت در ریشه های دین اساس دارند. الله انسانها را در برابر یکدیگر به عدالت ، خوش بینی ، ادراک یکدیگر و مهربان و با محبت بودن امر نموده است. بالاتر از آن انسانها عمل به این اخلاق زیبا را بدون توجه به دین ، زبان ، نژاد و جنسیت طرف مقابل خود ، طبق فرامین الهی می بایست انجام دهند.

به همین سبب رواج خشونت در اجتماعی که اخلاق دینی در آن عمل می گردد ، امکان ناپذیر می باشد. اخلاق دینی تنها سیستمی است که برای انسانها آرامش ، صلح و امنیت به همراه می آورد. الله در یکی از آیات قرآن چنین می فرماید: " ای ایمان آورندگان همه شما دسته جمعی وارد صلح و امنیت (مسلم و اسلام) گردید و گام های شیطان را پیروی ننمایید. زیرا او دشمنی آشکار برای شماست." «سوره بقره آیه 208»

در صفحات آینده درباره گروه هایی که عادی و حتی غیر قابل چشم پوشی به نظر می رسند اطلاعات کوتاهی ارائه خواهیم نمود. در فراهم نمودن این بخش هدف جا دادن به همه گروه های تروریستی

به همراه جزئیات آنها نبوده است . هدف اصلی افشای سیستم فکری دجال بوده است که بدون توجه به جهان بینی گروه های مختلف ، آن دسته از آنان را که توسل به خشونت را به عنوان راه حل می بینند ، را رهبری می نماید. و اطلاعاتی که در این جا آورده شده از جهت ترسیم بزرگی تخریباتی که سیستم حاکم دجال بر جهان وارد نموده اهمیت فراوان دارد.

ترور نژاد پرستانه

جنگ جهانی دوم آغاز دیوانگی ایدئولوژی برتری نژادی و فاشیسم بوده است . ارزش های به ظاهر مقدس این ایدئولوژی ها یعنی خشونت و محاصمه در یک آن همه دنیا را فرا گرفت. 55 میلیون انسان قربانی وحشت فاشیسم گردیدند . پایان جنگ به نفع نیروهای متفقین ، باعث شکست ایدئولوژی فاشیسم گردید اما منجر به نابودی آن نشد. تنها آن را وادار به ادامه حیات بصورت زیرزمینی نمود . در ده سال گذشته در شکل گروه های فاشیستی و نژادپرستانه و عملیات خشونت بار آنان در سراسر دنیا افزایش قابل مشاهده ای روی داده است . در حالیکه اروپا در حال مبارزه با اعمال خشونت بار فئونازی ها بوده آمریکا مجبور به مجادله با رواج مجدد نژادپرستی سفید پوستان در آنجا از جمله کوک لوس کلان ها گردیده است.

امروزه چه فئونازی ها و چه کوک لوس کلان ها به اعمال خشونت بار توسط عوامل خود سر زده و ایشان را به ترور و اعمال خشونت تشویق می نمایند.

بسیاری از انسانها گروه کوک لوس کلان و اعمال آن را بر علیه سیاه پوستان را احتمالاً وقایعی مربوط به سالها 1920 و 1930 دانسته و نابودی آن گروه را تصور می نمایند . در حالیکه کوکلوس کلان هنوز در حال فعالیت می باشد. امروزه در ایالات متحده امریکا تحت نام های مختلف کلیساهای وابسته کلان و بسیاری تشکل های نژادپرست وابسته به آنها وجود دارد. اعضای این کلیساهای و تشکل ها نه تنها مخالف سیاه پوستان بلکه مخالف مسلمانانی که در امریکا زندگی می نمایند و هرکسی که خارج از نژاد سفید اروپایی باشد ، هستند. جهانیان اعتقاد عمیقی به

لزوم مجادله با انسانهای متعلق به نژاد های دیگر دارند. در میان اختلات مربوط به انواع مجادله ، تشکیل گروه های مسلح توسط ایشان نیز وجود دارد.

همانطور که پیداست اساس تئوری کلان بر پایه برتری نژاد سفید اروپایی بر دیگر نژادها دائر بوده است و این نژاد نباید با دیگر نژادها پیوند داشته باشد. از این جهت ایشان این راه حل را توصیه می نمایند : در مناطقی که نژاد سفید اروپایی زندگی می نماید نباید افرادی از نژاد دیگر داخل شوند . زیرا از نظر این تفکر افراد دیگر نژادها حق دستیابی به امکاناتی را که این نژاد دارند ، می بایست نداشته باشند . افراد نژاد دیگر از نظر کلان عوامل مخربی در جهت نابودی برتری نژادی سفید های اروپایی و خلوص آن می باشند.

این اعتقادات کلان نقطه اساسی حرکت برعلیه افراد از نژادهای دیگر در آمریکا ست . بر اساس این اعتقادات به جای عشق و خوش بینی و دیالوگ ، نفرت و خوی تهاجم وجود دارد . اساس ظاهر علمی مفهوم برتری نژادی نیز بر پایه تئوری تکامل داروین نهاده شده است . داروین در سیر تکاملی انسانها ، اعتقاد به تکامل بیشتر برخی از نژادهای انسانها از جمله نژاد اروپایی داشته است.

به اعتقاد وی بقیه افراد بشر جانورانی نیمه میمونی و ابتدائی می باشند، به عبارت دیگر در حالی که برخی از نژادها در سیر تکاملی پیشرفت نموده اند . برخی دیگر هنوز در سویه ای نزدیک به اجداد خود (میمونها) قرار دارند . داروین در مورد آینده بشریت نیز پیش بینی ها نموده و چنین نوشته است :

(بلکه صدها سال نیز طول نخواهد کشید و در زمانی نزدیک نژادهای متمدن انسان ، نژادهای وحشی را تماماً از روی زمین پاک خواهند نمود و به جای آنان خواهند نشست . از طرف دیگر میمون های انسان نیز نابود خواهند شد . بدین ترتیب فضای خالی میان انسانها را قربانی نزدیک آن بیشتر و بیشتر خواهد گردید.)¹¹

¹¹ .چارلز داروین .نوع انسان .انتشارات اونور.طبع 7. آنکارا 1995.صفحات 199-200.

این افکار نژاد پرستانه ی داروین از سوی امپراطوری های استعمارگر معاصر خود به عنوان توجیه برای پوشاندن اعمال وحشیانه مورد استفاده قرار گرفت . این تئوری داروین از جهت عدم آگاهی کافی او و پیشداوری های وی بسیار قابل توجیه می باشد.

داروین در سال 1881 در نامه ای که به شخصی به نام گراهام نوشت به عنوان دلیل اثبات صحت تئوری خود ملیت ترک را به عنوان نمونه ارائه نمود . بر اساس این تئوری داروین : (ملت ترک ملتی عقب مانده است که در آینده نزدیک به تاریخ خواهد پیوست .)

(منازعه ترجیح طبیعی برای پیشرفت تمدن بیش از آنچه که تصور می کنید مفید بوده و مفید خواهد بود. بنده این را می توانم اثبات نمایم . بیندیشید که در چند صد سال گذشته هنگامی که اروپا توسط ترکها اشغال گردید ، ملتهای اروپا تحت چه ریسک بزرگی قرار گرفته بودند . اما امروز احتمال اشغال اروپا از طرف ترکها چقدر به نظر ما مسخره می آید. نژادهای متمدن که همان نژادهای اروپایی باشند در تنازع بقا و در برابر بربریت ترکها غالب گردیده اند. وقتی به آینده نه چندان دور دنیا می نگریم نابودی این نژادهای پست توسط نژادهای متمدن را می بینم.)¹²

بدون تردید چنین ادعاهایی چیزی فراتر از هذیان نمی تواند باشد . اما چنین نگرشی که هیچگونه اساس علمی نداشته از طرف دول استثمار گر سده نوزدهم در اروپا مورد قبول واقع گردیده و اساس دشمنی با ترکها در آن دوران گردیده است . در زمان حال نیز نقطه اساسی حرکت فعالیتهای نژاد پرستانه که در کشورهای مختلف دنیا در حال ظهور است این تئوری داروین و مشابه آن بوده اند. امروزه خبر به آتش کشیده شدن کلیساهای سیاه پوستان در ایالات مختلف در آمریکا ، مورد هدف قرار گرفتن مساجد و سینوگوکها از مناطق مختلف دنیا می رسد. مخصوصاً پس از حمله

¹² .فرانسیس داروین .زندگی و نامه های چارلز داروین .بخش اول. نیویورک انتشارات Appleton and Company .1888 .صفحات 285-286.

تروریستی یازده سپتامبر بر علیه مرکز تجارت جهانی چنین اعمال خشونت بار افزایش چشمگیری یافته است . در ایالات مختلف امریکا به مساجد ، موقوفات و محل های کار مسلمانان حمله شده ، دانش آموزان مسلمان به مدارس پذیرفته نشده و بچه های مسلمان در کوچه و خیابان ها مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند .

هر کس که عقل و منطق را بر اساس زندگی خود قرار دهد می داند که تمامی مسلمانان جهان اعمال تروریستی را مخصوصاً مسلمانان غیر مسلح و زنان و کودکان بی گناه را در قبال چنان اعمال تروریستی نمی توان مسئول شمرد . (چنانچه بعد از واقعه یازده سپتامبر طیف وسیعی از انسانهایی که بر اساس حسن نیت و عقل حرکت می نمایند . شروع به تحقیق در مورد اسلام نموده و درصد گرایش به اسلام نسبت به قبل خیلی بیشتر گردیده است .)

از سوی دیگر این وضعیت نشان دهنده خطر ناشی از نفرت زائیده شده از نژادپرستی یا اعتقادات دارونیزمی می باشد . اما در هر صورت اعضای کلان چنین می اندیشند . حتی ایشان برای آنچه طبق اعتقادشان جنگ میان نژادها در طول قرن بیست و یکم بوجود خواهد آمد ، در حال مهیا شدن می باشند .

ابعاد نژادپرستی در امریکا

کوک لوس کلان که در دهه 1870 بوجود آمد در اصل پس از جنگ جهانی اول بود که در امریکا قدرتی کسب نمود . در اواسط 1920 بود که تعداد اعضایش به 3 الی 4 میلیون رسیده بود .¹³

«هنگامی که مجادله برای حفظ انسان سفید شروع گردید ، ما دشمنانمان را خواهیم کشت .» این شعاری بود که کوک لوس کلان با آن به راه افتادند . آنان که مانند تمامی بقیه نژادپرستها اعتقاد داشته اند که نژاد سفید در سیر تکامل از بقیه نژادها بالاتر بوده در حالی که بقیه نژادها در مراتب پایین قرار دارند و از این رو مستحق قرار گرفتن تحت هر گونه اعمال ناپسند می باشند . و تعداد معتقدین به این افکار در امریکا بسیار زیاد می باشد . تشکیلاتی مانند

¹³ . Blood in the face.james Ridgeway . بخش دوم . انتشارات Thunder is Molth . نیویورک . 1995 . ص52 .

National Alliance

World Church of the Creator

Arian Nation

و تحت نامهای مختلف دیگر را ، تحت تاثیر افکار کوک لوس کلان بخوانیم بر بیراه نرفته ایم .

آنچه که در ذیل می آید نشان دهنده این است که این تشکل ها همه در محور توسل به خشونت جهت رسیدن به اهدافشان اشتراک داشته و از توسل به خشونت هیچ گاه ابا نداشته اند.

گروه (WCOTC) World church of the Crearcr

WCOTC یکی از گروه های نژادپرست در امریکا است که روز به روز گسترش بیشتر می یابد . این گروه منحرف که پیروانی در خارج از امریکا نیز دارد ، به وجود الله ، روز قیامت و بهشت و جهنم اعتقاد ندارند . اساس ایدئولوژی این گروه بر پایه برتری نژادی سفید پوستان واقع گردیده است .

بنیان گذار این فرقه نژادپرست ، یعنی Ben Klassen ، در صفحه اینترنتی مربوط به این تشکل می گوید: « هدف ایدئولوژی ما که برتری نژادی را اساس قرار می دهد ، پیشرفت ، توسعه و تداوم بقای نژاد سفید می باشد . دین ما بر اساس عشق به نژاد سفید بنیان گذاری گردیده است . کتاب ما انجیل انسان سفید پوست می باشد . ما به زندگی پس از مرگ اعتقاد نداریم . فرشته ها ، شیطان ، خدا و هر چیز دیگر را انکار می کنیم . قانون طلایی ما به طور خلاصه به این صورت می باشد:

آنچه برای نژاد سفید خوب است بالاترین اولویت می باشد . آنچه برای نژاد سفید بد باشد بالاترین گناه است . طبیعت به ما آموخته تنها نژاد خودمان را حمایت نمائیم . نژادهای ناخالص و ناپاک دیگر را جزو نژاد خودمان نمی بینیم . سیاه پوستان بدون شک در پایین ترین پله های نردبان قرار دارند . از میمون ها و شپانزه ها چندان بالاتر نیستند . برای ترقی نژادهای دیگر نمی توانیم یاری نمائیم . برای موفقیت و تکثیر نژادهای ناپاک و در نتیجه تنگ کردن فضای محدود بر روی زمین یاری نخواهیم نمود . طبیعت انواع مختلف بر روی زمین را در حال مجادله و رقابت

آفریده و آنان را بر اساس قابلیت هایشان درجه بندی نموده است.¹⁴

همانگونه که ملاحظه گردیده این تفکر منحط و منحرف به عنوان دین به طرفداران آن ارائه گردیده و پیروان آن عمیقاً به آن وابسته گردیده اند. ولی البته که تلقی این افکار به عنوان یک دین امکان پذیر نیست. در داروینیزم اجتماعی است که چنین افکاری به عنوان دین ظهور نموده و اساس آن بر پایه مجادله بر علیه نژادهای دیگر می باشد. حتی این مجادله تحت عنوان Racial Holy war (جنگ مقدس نژادی) به صورت شعار درآمده و یکی از ارزشهای اساسی گروه درآمده است. Ben Klassen در یکی از سخنرانیهایش ضمن تشریح معانی (جنگ مقدس نژادی) برای پیروان این تفکر، ابایی از دعوت ایشان به جنگ ندارد:

« RAHOWA با این کلمه تمامی هدف و برنامه آتی برای نژاد سفید را مشخص نموده ایم و معنای آن چنین می باشد، جنگ سیاسی، نظامی، مالی و اخلاقی بر علیه یهودی ها و دیگر نژادهای پست را به عنوان وظیفه خود تلقی می نمائیم.

به عبارت دیگر این را به عنوان نقطه اساسی اعتقادات دینی مان و عنصر مقدس آن تلقی می کنیم. این را جنگی مقدس که می بایست انجام پذیرد، جنگی مقدس بین نژادها می بینیم.¹⁵

جنگ تاریخی موعود میان نژادها (از نظر اینان) برای فرقه کلان نیز مهمترین عرصه فعالیت می باشد. کم و بیش در تمامی جلسات خود از آن سخن می رانند. در سخنرانیها پیروان کلان برای این جنگ مورد تشویق قرار گرفته و در نوشته ها همواره اشاره ای به این جنگ بزرگ می نمایند. حتی تصویرهایی در مورد این جنگ که بصورت اسطوره ای برای ایشان در آمده در نشریات این گروه اغلب جای می گیرد. به عنوان مثال روزنامه Knight-Ridder که ارگان این فرقه به شمار می رود در گزارشی از ایالت کلمبیا درباره کرده همایی ملی آنان چنین می نویسد:

¹⁴ <http://www.adl.org/learn/lexr5%Fus/hale.asp>.

¹⁵ <http://www.odl.org/>.

« رهبر گروه شوالیه های مسیحی با حسرت یک کوک لوس کلان ، به همراهی همسایه خود ، اشاره به مجسمه عضو کلان نموده و می گوید: یک جنگ نژادی در حال رسیدن است . کلان تنها امید نجات نژاد سفید است .»¹⁶

همانند بسیاری از گروه های نژاد پرست در میان پیروان **Rahowa** نیز اعتقادی قوی نسبت به تئوری تکامل وجود دارد. البته اتخاذ موضع خصمانه به این شدت ، در برابر نژادهای دیگر و عدم اجتناب از توسل به خشونت در برابر ایشان به خودی خود منتج از اعتقاد به تئوری تکامل داروین می باشد.

شخصی که طرف مقابل خود را نوعی حیوان می بیند از تعرض به طرف مقابل و حتی در موقع لزوم کشتن وی اجتناب نخواهد نمود. رهبر بعد از **Ben Klassen** که فردی به نام **Matt Hale** می باشد در یکی از سخنرانیهایش که در ذیل خواهد آمد نشان می دهد که این اعتقادات ایشان که خود آن را دین می نامند چقدر با تفکر تئوری تکامل داروین همسانی دارد:

« ما حیوانات هستیم . بله مساله این است . تنها به این دلیل که قدرت تفکر یا تکلم داریم و یا اینکه می توانیم بر روی دو پای خود بایستیم این نظر را قبول نمی کنیم . این پای بندی ما را به قوانین طبیعت نقض نمی کند. چون ما پای بند هستیم .»¹⁷

این چنین گفته هایی در ضمن نشان دهنده این است که چگونه این افکار برای این فرقه تبدیل به نوعی دین گردیده است . البته این دین هیچ نوع ارتباطی با مسیحیت که تواضع و عشق و خوش بینی را تبلیغ و مدافعه می نماید ندارد . اساساً رهبران فرقه نیز در اعلان این مطلب نیز تردید نمی نمایند . **Matt Hale** در گزارشی دین خود را چنین اعلان می نماید: « ما به جای مسیحیت که تبلیغ دوست داشتن دشمنان ، نرم خویان ، و افراد پست را می نماید ، به دینی احتیاج داریم که تنها انسانهای خودمان را مدح نماید. از ایده برابر آفریده شدن همه انسانها باید دور گردیم .

¹⁶ . Hogan-Albach ,D.Parude.the word Misreacl Klan Twists Bible is Messoge to Back Racist .

Beliefs.Knight Ridder Newspaper .1996

Matl shorkey .American Dream,Generation 21,1999..¹⁷

اعتقاد ما قطع تمامی کمکها به نژادهای غیر سفید است . در صورت قطع کمکها به نژادهای غیر سفید معتقدیم که تعداد آنها کاهش خواهد یافت . ایشان قادر به تامین نیازهای خود نخواهند بود... ما معتقدیم که یک دنیای کامل تنها با وجود انسانهای سفید پوست میسر خواهد بود. زمانیکه نژادهای غیر سفید رفتند و نژادهای سفید به یگانگی برسند آن زمان برای انسانهای سفید پوست صلح و رفاه خواهد رسید...»¹⁸

اما معتقدان به برتری نژادی نکته مهمی را نادیده گرفته اند. هیچکدام از چیزهایی که آنان برای خود ارزش می انگارند ماندنی نیست . هر انسان - منکر گردد یا نگردد - دیر یا زود خواهد مرد و با رها کردن هر آنچه که در این دنیا صاحب بوده ، در برابر ربمان حساب واپس خواهد داد. در آن روز هیچ کس فایده ای برای دیگری نخواهد داشت . نژاد و رنگ و یا نسب ، هیچ ارزشی نخواهد داشت . چیزهایی که در دنیا صاحب بوده کوچکترین فایده ای برای او نخواهد داشت و برای اعمال انجام داده خویش هیچگونه عذری نمی تواند بیان نماید. الله در سوره مومن به این شکل بیان می فرماید: " این چنین زمانی که در صور دمیده شده دیگر در آن روز اصل و نسبی نیست - نسب های خود را به عنوان عاملی برای برتری و یا وضعیت دیگر - را از یکدیگر نمی پرسند." «سوره مومن آیه 101»

اعتقادات کلان

موارد زیر از سخنرانی 14/01/2001 که توسط Matt Hale ایراد شده اخذ گردیده :

- بیان برابری نژادها گناهی انجام شده در برابر نژاد خودمان است .
- از امتزاج نژادها ، ازدواج بین نژادهای مختلف و ادعای حق غیر سفید ها بر مملکتمان نفرت داریم .
- ازدواج میان افراد از نژادهای مختلف اهانتی نسبت به نژادمان می باشد.

¹⁸ <http://Hatewatch.org/Frames .Html>

- دفاع از حقوق بشر از نظر ما خطاست و مغایر با منافعان می باشد.
 - نژاد سفید از دیگر نژادها برتر است.
 - نوبت به ما که رسید ، زمانی که اقتدار در دست ما بود و زمانی که شروع به شکل دهی دنیا طبق خواسته هایمان نمودیم ، برترین نژادمان را بوجود خواهیم آورد. آینده تنها متعلق به سفیدها خواهد بود و در آن زمان غیر سفیدها را از خاکمان خواهیم راند . این قانون خواهد بود.
 - غیر سفیدها برای ما اهمیتی ندارند. حتی اگر در دریای خون غوطه ور باشند. برای ما اهمیتی ندارد. برای ما تنها نژاد خودمان قابل اهمیت است .
 - آنچه باعث تفاوت میان نژادها می گردد مجموعه هاست . هر نژاد مجموعه و حجم مغزی متفاوتی دارد.
 - اگر دلیل اینکه چرا قاتل هایی که بیش از یک نفر را کشته اند یک سفید پوست می باشند پرسیده شود... انسانهای سفید پوست قبل از انجام هر کاری آن را برنامه ریزی می کنند . سفیدها فکر می کنند اکثر جنایاتی که سیاه ها انجام می دهند بسیار ابتدایی است . سفیدها درباره جنایاتی که می خواهند انجام دهند قبلاً فکر می کنند. سفیدها چنین جنایاتی را انجام می دهند چون این نوع جنایات احتیاج به قدرت برنامه ریزی دارد.¹⁹
- این موارد از جهت روشن شدن افکار یک کلان تکان دهنده است . در این چنان ذهنیتی است که در آن قتل های زنجیره ای باعث مباحات می باشد و به نام برتری نژادی ، انجام اعمال وحشیانه معقول ارائه می گردد .

فرقه وحدت ملی (National Alliance)

یکی از فرقه های فاشیستی که در میان جوانان امریکا قدرت فراوان پیدا نموده فرقه وحدت ملی دکتر ویلیام پیرس (Dr.william

¹⁹ . Matl Hale is speech . inois .2001,http :// www. Stop – the –hate .org /wcotc.htm, .

(Pearce) در دانشگاه اورگون تحت نام وحدت ملی جوانان تشکیل شده بود. بزرگترین مشخصه آن هدف قرار دادن دانشگاه ها و کالج ها بود. سن اعضاء آن محدود به 30 سال و جوان تر از آن بود. اما بعدها این محدودیت سنی برداشته شده و تحت نام (وحدت ملی) از نو سازماندهی شد. یکی از اهداف اصلی این فرقه تربیت جوانان با افکار نژادپرستانه بود. بدین ترتیب نسلی فراهم می شد که معتقد به برتری نژادی خود بود و این فرقه هم مانند تمامی فرقه های مشابه، خود را وقف حفاظت از برتری نژادی سفیدها نمود. دکتر پیرس در سال 1997 در مصاحبه ای این هدف را چنین بیان می داشت: « برای دستیابی به موفقیت به هر قیمت که باشد، می بایست خود را از نژادهای غیر سفید تماماً جدا نمائیم و از آنان دور نمائیم. آنان را می بایست شکار نموده و از ایشان می بایست خلاص شد.»²⁰

البته این تنها وجه تشابه این فرقه با دیگر فرقه های نژاد پرست نمی باشد. اعتماد به تئوری تکامل در فرقه وحدت ملی نیز در رده اول اهمیت قرار دارد. بیانات اعضای این گروه به هر قدر آنها به دینداری خود اصرار کنند، نشان دهنده تضاد کامل با عملکرد ایشان با اعتقادات دینی می باشد. اغلب اوقات خود ایشان نیز این واقعیت را اظهار می دارند:

« ما براساس قوانین طبیعی حرکت نموده خود را مطابق با این قوانین در این دنیا می بینیم. اگر بخواهیم به طرز ساده تری بیان کنیم: بخشی از طبیعت هستیم و تابع قوانین طبیعت می باشیم. در تحت این قوانین طبیعی، تقدیر خود را می توانیم تعیین نمائیم... به عبارت دیگر در مورد هر چیزی که قدرت انتخاب داریم مسئولیت به عهده می گیریم خصوصاً در مورد محیط اطراف خود و نژاد خود.»²¹

اگر چه اعضای فرقه نژادپرست و فاشیست گاهی اوقات از فاکتورهای دینی در سخنان خود استفاده نموده و سعی می نمایند

²⁰ The explosion of Hate the Growing Danger of The National Alliance. <http://www.adl.org/explosion> .

- of -hate/int -ro-venomous-voice.html.

²¹ General principles of National Alliance .<http://www.natran.Com/what-is-na/nal-html#natural> .

خود را مغایر قوانین دینی نشان دهند . روشن است که این جز تاکتیکی بیش نیست . جامعه شناسان و آکادمیسین های مختلف در نتیجه بررسی و تحقیقات مختلف در این مورد تاکید دارند . یکی از آکادمیسین های فوق رئیس کرسی خشونت و درگیری های اجتماعی در دانشگاه Northeastern ایالت بوستون ، آقای Jack Lewin می باشد . وی دلیل اخذ آیاتی از انجیل توسط این فرقه را یافتن توجیهی برای اعمال خشونت بار خود می داند.²²

ایدئولوژی معتاد به اعمال خشونت و ترور : نئونازیسم

همانطور که در امریکا نژادپرستی و دشمنی با خارجی ها تحت حمایت و رهبری کوک لوس کلان ها تحقق می یابد در اروپا نیز این وظیفه را نئونازی ها بعهده گرفته اند . حرکت نژادپرستانه ای که در اوائل در انگلستان به عنوان کله طاس ها شروع شد در دهه 1990 تبدیل به حرکت نازی شد . خصوصیت اصلی این افراد که خود را نئو نازی می نامند ، حمایت از فکر برتری نژاد سفید و انجام اعمال خشونت آمیز بر علیه خارجی ها و ساکنان محله های فقیر نشین بوده است . در ده سال گذشته این حرکت نیز روز به روز قوی تر گردیده است . تعداد اعضای آن نیز حدود هفتاد هزار نفر می باشند . نئو نازی ها در هر کشور برای خود افراد مجزا تعیین نموده اند . بر اساس تحقیقی که انجام شده اهداف نئو نازیها در آلمان ترکهای مقیم آن کشور ، در مجارستان و جمهوری اسلواک کولی ها ، در انگلستان آسیاییها ، در فرانسه آفریقایی های مهاجر از شمال آفریقا بوده است . بر اساس آمار رسمی دولت آلمان در سال 1999 تعداد ده هزار و سی و هفت واقعه صورت گرفته توسط نژادپرستها که به دلیل دشمنی با خارجیها صورت گرفته است . تعداد این وقایع در سال 2000 نیز بالای ده هزار بوده است . در انگلستان تنها در ماه های سپتامبر و آوریل تعداد وقایع ثبت شده از این دست ، ده هزار و نهصد و هشتاد و دو بوده است . نیمی از این جرائم را ارباب و تهدید تشکیل داده است . کشتن ، زخمی نمودن و حمله به خانه و یا محل کار

²² S.Hohan-Albach, D.Pardue, The word.Misread Klan Twists Bibleis Message to Bach Racist . Beledfs.Knight Ridder Newspaper.1996.

مابقی این جرائم را تشکیل داده اند. در ترویج تفکر نئونازی در دهه 1990 افکار دو امریکایی مدافع افکار راست تندرو به نامهای William Pearce, Louis Beam جای خاصی داشته است. مفاهیم (مقاومت بدون رهبری) و (انقلاب سفید) که از طرف این ایدئولوگ نژادپرست مطرح شده اکنون در میان تمامی نئونازی ها مفاهیمی پذیرفته شده اند. منشا اعمال تروریستی فردی از قبیل بمب گذاری و به آتش کشیدن و تخریب محل های کار نیز از همین مفهوم (مقاومت بدون رهبری) می باشد. در راستای تحقق این مفهوم نئونازیها اعمال تروریستی را به تنهایی یا با تشکیل گروه های کوچک به انجام می رسانند. کتابهای Hunter (شکارچی) و خاطرات قرمز که توسط دکتر پیرس نوشته شده کتابهای راهنمایی تروریسم مبتنی بر نئونازیسم تلقی می گردند. حرکت ناسیونال سوسیالیست فرانسه با منشاء قرار دادن این کتابها، بروشوری به نام A practical guide to Aryan Revolution تهیه نموده که در آن تمامی اطلاعات لازم برای یک نئونازی جای گرفته است. روشهای عملیات مخفی، گریز و پنهان شدن، سوء قصد، بمب گذاری، جنگ نژادی، تحقق سیر انقلابی و منش سربازان حرکت آزادی، تعدادی از سرفصل های این بروشور می باشند. به معنای کامل کله کتاب راهنمای یک تروریست.²³

حتی در میان افرادی که اعضای این گروه می باشند نیز اثرات این افکار فاشیستی و چنین کتاب هایی ملاحظه می شود. برای مثال در کتاب خاطرات قرمز چگونگی تشکیل یک گروه زیرزمینی بر علیه یک دولت توضیح داده شده و در آن می توان در مورد اینکه چه اعمالی می بایست انجام دهند را یافت.

در سال 1998 شخصی به نام James Bird که با بستن یک سیاه پوست به ماشین و کشیدن وی بر روی زمین موجب قتل وی شده بود در دادگاه اعلام داشت که من کتاب خاطرات قرمز را حیات بخشیدم. اینگونه وقایع ابعاد تاثیرات چنین افکاری را نشان می دهد. در سال 1993 پس از واقعه بمب گذاری Timothy Mcveigh در Oklahoma

²³ David Michles. Neonazi Terarism. International Blicy institute for counter -Terrorism. 2000.

این بار توجه ها به کتاب شکارچی از دکتر ویلیام پیرس جلب گردید . چون در این کتاب ویلیام پیرس اعمال یک بمب گذار را که منفرد عمل می کرد را توضیح می داد .

قهرمان کتاب بدون حمایت گرفتن از هیچ گروه و فرقه ای ، مانند Timothy ، با خواست و اراده خود یک عملیات بمب گذاری را انجام می داد.²⁴

بمب گذار اوکلاهوما نیز نئونازی بود .

بزرگترین واقعه تروریستی قبل از یازده سپتامبر برای امریکایی ها واقعه Timothy بود ، که ساختمان فدرال در اوکلاهوما را بمب گذاری نمود . در اثر این عمل تروریستی 168 نفر از جمله کودکان جان خود را از دست دادند . نکته قابل توجه اینکه هم طرفدار یک فرقه منحرف و در همین حال یک نئونازی بود . Timothy انگیزه این قتل عام را انتقام David Koresh و مریدان وی که در سال 1993 در مزرعه ای سوزانده شده بودند بیان نمود . از نظر Mcveigh ، Koresh و مریدان وی خود را نسوزانده بودند . بلکه از طرف دولت سوزانده شده بودند . از این جهت برای انتقام گرفتن ، طرح بمب گذاری ، ساختمان فدرال و کشتن آن افراد را برنامه ریزی نموده بود . در دومین سالگرد انتخار Koresh و مریدانش با خونسردی کامیونت حملو از مواد منفجره را در مقابل ساختمان فدرال پارک نموده و سیر وقایع را مشاهده نمود . در اثنای کار یک نئونازی دیگر به نام Terry Nichdos ، به وی کمک نموده است . نقطه مشترک تمامی کسانی که در این عملیات تروریستی به Mcveigh یاری نموده اند نئونازی بودن ایشان بوده است . Mcveigh قدری قبل از اعدام خویش در نامه ای برای روزنامه Buffalo News فرستاد گفته بود که از کرده خود پشیمان نبوده و در راه مبارزه با دولت منطقی ترین روش را آنچه که انجام داده بود ، عنوان نموده بود .

این جمله که تماماً زاییده یک ذهنیت مریض می باشد یک بار دیگر به ما نشان می دهد که جریاناتی که در بالا ذکر گردید چه

²⁴ . The Eyplosion of Hate The Growing Danger of the National Alliance
<http://www.adl.org/explosion-q-hate/intro-turner.html>.

اثرات تخریبی بزرگی بر روی انسانها و جوامع گذشته و چه بلاهای بزرگی به همراه می آورند را نشان می دهد. چنانچه تا به حال با ذکر مثالهای مختلف نشان داده ایم ، در سیستم دجال تلاش می شود انسانها را بر اساس تفاوت نژاد ، زبان و جنسیت از یکدیگر جدا ساخته و از بین بردن افراد نژادهای دیگر را با توسل به وحشیانه ترین روشها مساله ای معقول جلوه دهد. علاوه بر آن این جدائی بوجود آوردن ، تبدیل به هیستری گردیده که در میان جوامع ، جنگ و محاصره را بوجود می آورد. انسانها تنها به خاطر تفاوت زبان ، دین و نژادشان معروض به انواع تجاوزات و حملات قرار می گیرند . یکی از دلایل این همانگونه که قرآن نیز مشخص نموده زیبا جلوه دادن حمایت خشونت بار نژادی از طرف شیطان می باشد.

در زمان ما اغلب گروه هایی که خود اعمال تروریستی انجام داده یا تشویق به آن می نمایند ، تحت تاثیر این تحریکات فعالیت های خود را بر پایه افکار نژاد پرستانه قرار داده اند. تفاوت تحریک تضاد نژادی با اسلام از آیه ذیل کاملاً پیداست:

" براستی زمانی که آن انکار کنندگان در قلبهای خویش آغاز به حمایت از نسب و نژاد نمودند ، بلافاصله الله بر رسول خود و یا دیگر مومنان حس اطمینان و سکون را نازل فرمود و ایشان را بر کلمه تقوی ثابت قدم فرمود. ذاتاً ایشان نیز لیاقت آن را داشتند. براستی که الله حقیقت همه چیز را می داند." «سوره فتح آیه 26»

انسانها برای دشمنی با یکدیگر بلکه برای آشنایی با یکدیگر و دوستی با هم ، ایجاد روابط خوب ، بین هم از نظرهای مختلف ، متفاوت آفریده شده اند. و الله نادرستی فکر برتری نژادی که دجال برای ایجاد محیط مناسب در جهت ترویج ترور بین انسانها تشویق می نماید را در قرآن بیان فرموده است . آنچه که باعث برتری بخشیدن به جوامع و یا انسانها می گردد ، اخلاق زیباست. اینکه انسانها از کدام نژاد باشند با کدام زبان حرف بزنند یا پوست بدنشان به کدام رنگ باشد هیچ اهمیتی ندارد. از نظر این ارزشها ، تلاش برای کسب برتری و ایجاد دشمنی نسبت به جوامع

دیگر جلوه هایی از ایدئولوژی دجال می باشند. الله تفاوت نژادی میان انسانها را وسیله ای برای شناختن یکدیگر، یعنی دوستی و تبادل ذهنی قرار داده و برتری را منحصر به تقوی یعنی ایمان و اخلاق نموده است.

در آیه ذیل به این صورت بیان گردیده است:

"ای انسانها، برآستی ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و برای اینکه یکدیگر را بشناسید شما را از ملیتها و طوائف مختلف قرار دادیم. بدون شک در نزد الله برترین شما (نه از نژادی یا نسبی) آن است که در تقوی از دیگران پیش باشد. بدون تردید الله، عالم است، خبردار است." «سوره حجرات آیه 13»

ترور شیطان : ساتانیزم

ساتانیزم ایدئولوژی مخطی برای جلوه دینی دادن به اعمال خشونت و شدت می باشد. آنانیکه شیطان را برای خود اله قرار داده اند و خود را ساتانیت می نامند اعمال غیر انسانی، خونین و جنایت بار را با تلقی عبادت از آنها به جای می آورند.

بسیاری اشخاص زمانی که سخن از ساتانیزم به میان می آید تصور می کنند که آن تنها یک فرقه اسرار آمیز است. و یا پس از تماشای بعضی از فیلم ها تصور می نمایند که ساتا نیست ها تنها فرقه ای عجیب می باشد که توسط افرادی اداره می شود که سلامت عقلی ندارند. اینکه ساتانیت ها به خشونت و وحشت ایمان دارند صحیح است. اما نکته ای که بسیاری انسانها آن را نادیده می انگارند این است که ساتانیزم یک تفکر ماتریالیستی است که ریشه در سالهای 1800 داشته که طرفدار اعمال خشونت و شدت بوده و منکر خالق یکتا بوده است. این ایدئولوژی در دنیا طرفداران زیادی دارد. خصوصیت اساسی ساتانیزم رد همه ارزش های دینی است که شیطان را برای خود اله قرار داده و جهنم را راه نجات می داند. به اعتقاد ساتانیزم انسان در برابر هیچ چیز مسئول نیست. تنها مسئولیت وی انجام دادن اوامر نفس اوست که به او امر می نماید. در چنین شرایطی اگر نفس به انسان خشم، کینه ورزیدن، انتقام گرفتن، دروغ گفتن،

دزدی نمودن ، ضرر رساندن به دیگران ، کشتن را امر نماید در انجام آنها هیچ مانعی وجود ندارد .

در دفاع این تفکر منطق اصلی ساتانیزم این است که ممانعت و جلوگیری از بدی نوعی عدم صداقت و عدم صمیمیت می باشد .

یعنی بر اساس اعتقاد منحط ، اگر نفس به انسان امر به کشتن دیگری را می نماید ، عدم انجام این امر نوعی نادرستی به شمار می رود . تقدیر تمامی انسانها ویژگی های اخلاق زیبا یعنی فضائی مانند عشق ، خوش بینی ، صبر و بخشش از نظر ساتانیزم مورد نفرت می باشند .

بر اساس اعتقاد این ایدئولوژی منحط آنچه اصل است این است که در کینه ، خشم ، انتقام و بدی هایی مانند آنها هیچ حد و مرزی نباید شناخت . کتابی که به عنوان منبع اعتقادات ساتانیزم عنوان می گردد *Satanec bible* (انجیل شیطانی) می باشد . در پنجمین ماده این کتاب با اشاره به قانون انجیل (اگر به صورتت سیلی زده شد دیگر طرف را هم بگیر) چنین ارائه می شود: «شیطان بجای ارائه دادن طرف دیگر صورت خود انتقام گرفتن را تمثیل می کند.» در ماده دیگر از همان کتاب: «از دشمنان تان با تمام قلبتان متنفر باشید و اگر شخصی به روی شما سیلی زد شما هم به طرف دیگر صورت او سیلی بزنید.»²⁵

بر اساس این منطق هیچ بدی قابل ممانعت نخواهد بود . در چنین محیطی ، کابوسی بزرگ و اغتشاش بوجود خواهد آمد . در اجتماعی که انسانها وجدان خود را بلا استفاده می گذارند و در نتیجه آن ، بدی را از خوبی تشخیص نمی دهند و به سوی خویشاوندی حرکت نمی نمایند ، از نظام ، آرامش ، صلح ، امنیت ، بخشش ، خوش بینی سخن راندن امکان پذیر نمی باشد . در تحت چنین نظامی شخصی که از دست طرف مقابل خود عصبانی شده بجای غلبه بر خشم خود و نشان دادن رفتار معتدل ، به انتقام جویی بر خواهد خاست . یا اینکه شخصی که محتاج و فقیر باشد بجای اینکه صبر نموده و با تلاش برای رفع احتیاجات خود در راه مشروع ، به دزدی و راه هایی مانند آن سر خواهد زد . ذاتاً ساتانیزم نیز چنین روش هایی را تشویق

<http://www.mayhem.net/crime/mcveigh.html>.²⁵

می نماید. نهاد اجتماعی که ساتانیزم ارائه می نماید بر پایه عدم شناخت نظم و قانون است. هدف به عرصه در آوردن تمامی خصلت های نفسانی با آزادی کامل می باشد.

شخصی که به عنوان بنیانگذار ساتانیزم جدید عنوان می گردد یعنی Anton lavey در کتابش به نام (انجیل شیطانی) ضمن تشریح اصول خود به مریدانش تلقین می کند که بدی را به هر شکل که خواستند به عرصه در آورده و آن را اشاعه دهند. حتی در مصاحبه ای می گوید: « فکر می کنم همه قوانین برای زیر پا گذاشتن به وجود آمده اند. در لخت کردن کسی در کوچه هیچ اشتباهی نمی بینم.»²⁶

بی قانونی ساتانیزم البته تنها به این منحصر نیست. شخصی در این تفکر نه تنها به خود و اطرافیانش بلکه دشمنی و خشم خود را نسبت به تمامی انسانیت معطوف می دارد. و علاوه بر آن شدت و خشونت را بخش غیر قابل تفکیک از زندگی می شمارد. به اعتقاد ساتانیزم شدت و خشونت در نهاد طبیعت وجود دارد و غیر قابل انکار می باشد. بر اساس این اعتقاد منحن شدت و خشونتی که در طبیعت موجود است بالطبع در میان انسانها نیز می تواند وجود داشته باشد. ممانعت از بروز خشونت از نظر این اعتقاد مغایر با طبیعت بشری است و می گوید انسان یک روز مطلقاً مجبور به سر زدن به خشونت می باشد. پس چرا می بایست در مقابل آن به زور ایستاد.

همانگونه که ملاحظه شد ساتانیزم حاوی افکاری در نهایت انخطاط می باشد. و این اعتقادات انسانها را ترغیب به تهاجمی بودن، انجام جنایات و حتی قتل عام ها می نماید. خصوصاً در امریکا آکادمیسین ها پایه های ترور در امریکا را ساتانیزم دانسته و بر ضرورت مجادله موثرتر با ساتانیزم اصرار ورزیده اند. یکی از آکادمیسین ها پروفسور Carl Roschke از دانشگاه Denver می باشد. وی اهمیت موضوع را چنین بیان می دارد: « در مورد

Announcements of church of satan . <http://www.churchofsatan Gm/home.html> . ²⁶

ایدئولوژی ساتانیک که پایه ترور ملی می باشد تحقیقات جدی در حال انجام دادن هستیم.»²⁷

در مبارزه با ساتانیزم ، مهمترین گام دوری از خطای تصویری است که ساتانیست ها بعنوان ، گروهی بیکار و ضعیف می باشد. Roschke می گوید: «هنگام بررسی جنایات انجام شده توسط ساتانیت ها مجوبی مشاهده می شود که این ایدئولوژی به چه اندازه بلای بزرگی می باشد.»²⁸

بدون تردید مهمترین مجادله ای که بر علیه این حرکت می توان انجام داد در عرصه فکری خواهد بود . به این خاطر نیز درک نقطه اتکای ساتانیزم از نظر ایدئولوژی ضروری می باشد.

ریشه اعتقادی ساتانیزم ، داروینیزم می باشد.

در کتاب ها ، نشریات ، بروشورها و صفحات اینترنتی ساتانیست ها ، در میان جملاتی که برای شناساندن خود به کار می برند جملات زیر بیش از دیگران جلب توجه می نماید:

_ انسان نوعی حیوان تکامل یافته می باشد.

_ هدف اصلی حیات جنگ است .

_ تنها قدرتمندها می توانند ادامه حیات دهند.

این جملات دلایل روشنی برای این ادعاست که اساس اعتقادی ساتانیزم را داروینیزم تشکیل می دهد. همانگونه که بسیاری از ساتانیست ها نیز این را به زبان آورده اند.

A Description of Sutanism (تعریفی برای ساتانیزم) نام کتابی است

که نویسنده ساتانیست آن اعتقاد خود را چنین بیان می دارد:
اولاً همه انسانها حیواناتی اجتماعی هستند. همه انسانها و حیوانات صاحب یک گذشته بیولوژیک مشترک می باشند. ساتانیزم اعتقاد دارد که انسانها تنها حیواناتی تکامل یافته می باشند . ما برتری بر دیگر حیوانات نداریم ، ما تنها تکامل یافتگانی هستیم که می توانیم بر پای خود بایستیم .²⁹

Anton lavey, Birth of Tragedy, issue No.4. 1986. .²⁷

Expert on satanism sees terrorism Dangers Ahead. Online Athensnews. 1999. .²⁸

Expert on satanism sees terrorism Dangers Ahead. Online Athensnews. 1999 .²⁹

از میان نوشته هایی که توسط انتشارات (کلیسای شیطان) منتشر گردیده و حکم منبع برای این اعتقاد منحط را دارد ، در مورد ادعاهایی که این انسانها حیواناتی تکامل یافته بیش نیستند چنین می نویسد:

« بر اساس این اعتقاد ساتانیزم که انسان نوعی حیوان می باشد -در تاریخ نیز کسانی بوده اند که این را دریافته اند و به زبان آورده اند- با تمامی افاده های هنری و فلسفی مبتنی بر آن را بیرون آورده و برای بیداری او هر زمان به عنوان اساس تلقی خواهیم نمود.»³⁰

همانطور که ملاحظه می شود ساتانیزم ، تئوری داروین مبتنی برای اینکه انسان تکامل یافته حیوانات است را بعنوان ریشه بیداری اعتقادی خود می پندارد . از قول Anton lavey در مصاحبه ای با مجله MF، ارتباط ساتانیزم با داروینیزم را چنین بیان می کند: «آنتون لایو در اواخر دهه 1960 برای کسانی که از هیچی گری و ارزشهای اخلاقی یکسان مسیحیت خسته شده بودند اعتقاد اجتماعی داروینیزم و تفکر مثبت را به صورت قابل فهمی در آورده و راه جدیدی ایجاد نموده است.»³¹

Magister Peter H. Gilmore که یکی از کشیشان کلیسای ساتانیت می باشد این اعتقاد منحط را چنین تعریف می نماید:

«... حالا ما به جای اینکه نگاهی بیندازیم به چگونگی ساتانیزم مدرن : حاکمیت مجدد قدرتمندها بر احمق ها ، استقرار بی عدالتی به جای عدالت ، رد سفسطه دو هزار ساله برابری همه انسانها ، دین بی رحمی مبتنی برتری افراد خود و اساس بخشیدن به داروینیزم اجتماعی.»³²

البته آنچه که در سطور بالا در مورد مفهوم عدالت عنوان شده از مفهومی که ما درباره عدالت می فهمیم متفاوت می باشد. آنچه که آنها اراده می نمایند اصلی بر اساس حق و مساوات میان انسانها نیست . عدالت آنها عدالتی ساتانیستی می باشد. که تمامی

³⁰ Vexen crabtree,A Description of sataivism <http://simon.crabtree.com/satanism/modern.html> .

³¹ Magister Peter Gilmore,satanismthe Fared Religion.[http ://www.churchof satan .com/pages/Feared.html](http://www.churchof satan .com/pages/Feared.html) .

³² The doctor is in shane & Amy Bugbeag .www.Churchq sutan.com/pages /MF interview .html .

حقوق و مسئولیت و قدرت را به انسانهایی که خود را برتر از دیگران می‌پندارند تفویض می‌دارد. تلقی برتری جوامع غربی از سوی ساتانیزم که مبتنی بر تفکر داروینیزم می‌باشد، خود را برای همکاری و حرکت موازی آن با فاشیزم و بسیاری دیگر از حرکت‌های نژادپرستانه آماده گردانیده است. در میان ناسیونال سوسیالیست‌های هیتلر، در میان پیراهن سیاه‌های موسولینی، مشاهده بسیاری افرادی که معتقد به ساتانیزم بوده اند ممکن است. این همکاری از سوی آنتون لایو چنین بیان می‌گردد:

«این اتحادی غیر مقدس می‌باشد. بسیاری از افرادی که مدافع چنین نقطه نظری بودند در گذشته با ما تفاهم و همکاری نموده اند. قدرت ضد مسیحی حزب ناسیونال سوسیالیست آنان که توانست انسان را جهت دهد با صمیمیت به ساتانیت‌ها وابستگی داشت.»³³

مهمترین نقطه اشتراک این حرکت‌ها با ساتانیزم داروینیزم می‌باشد. ساتانیست‌ها ریشه در این اعتقادات منحط را بر اساس داروینیزم اجتماعی عنوان نموده و آن را چنین حمایت می‌کنند:

«اصل بر سر پا ماندن قوی، در سطوح مختلف قابل تعمیم می‌باشد. از زنده ماندن یا نماندن فرد تا نابودی جوامعی که نتوانسته‌اند بر سرپا بمانند. زمانی که ضعیف‌ها شروع به دریافت نتایج تحقیق داروینیزم اجتماعی نمایند در جمعیت دنیا کاهش سیستماتیک ملاحظه خواهد شد. زیرا طبیعت همیشه از طرفی فرزندان خود را قدرت بخشیده از طرف دیگر آنها را نابود می‌سازد. از واقعیت‌ها صحبت می‌کنیم. و تلاش نداریم این واقعیات را به مدینه فاضله‌ای که بر خلاف بنای حیات می‌باشد تغییر دهیم.»³⁴

توضیح وابستگی دیگر ساتانیست‌ها به داروینیزم اجتماعی، دفاع پر حرارت ایشان از تئوری امروزی فاشیزم می‌باشد. تصفیه انسان‌های بیمار و معلول از اجتماع و تکثیر نسل‌های سالم از امتزاج افراد سالم اساس تئوری اوژنی می‌باشد. این تئوری خصوصاً در آلمان نازی به عرصه وجود در آمد. بر اساس تئوری

³³ . Magister Peter Gilmore, Satanism the Feared Religion همان آدرس است.
³⁴ . Vexen Crabtree, ADescription of satanism <http://simon.Crabtree.com/Satanism/modern.html> .

اوژنی همانگونه که با امتزاج حیوانات سالم می توان نسل های بهتری از حیوانات را بدست آورد . نژاد انسان نیز قابل اصلاح می باشد . موانع اصلاح نژاد انسان نیز (معلولها ، بیماران ، مجنون ها و سایر) می باشند که می بایست از اجتماع تصفیه شوند . در آلمان نازی بر اساس این تئوری ده ها هزار بیمار روانی و بیماران مبتلا به بیماری های مزمن بی رحمانه به قتل رسیدند . اینک ساتانیزم نیز از چنین جنایاتی دفاع می نماید . نقطه نظر ساتانیست ها در مورد تئوری اوژنی در میان جوامع خودشان چنین بیان می شود : «علاوه بر آن ساتانیست ها راه های تحقق و به حیات رسانیدن آنانی است که قابلیت تولید مثل ایشان کافی باشد . که منجر به سرعت بخشیدن به این ترقی خواهد شد . این روشی است که در سراسر دنیا به آن عمل می گردد . تا زمانی که رموز ژن ها کشف گردد و امکان برگزیدن افرادی که برای ادامه بقای انسان مورد نیاز هستند بدست آید ، ساتانیست ها از امتزاج بهترین ها با بهترین ها دفاع می نمایند.»³⁵

آئین های منحط ساتانیزم

زمانی که نام ساتانیزم به گوش می رسد به یاد بسیاری افراد آئین های مربوط به سحر و جادو و وحشت های بوجود آمده در بین آنها می آید ، اما برخی انسانها تصور می نمایند که این ها تنها در صحنه های فیلم ها وجود دارند . در حالیکه آنچه در صحنه های فیلم های منحط به دیدن آنها خو کرده ایم ، پاره های غیر قابل تفکیک از آئین ها و مراسم ساتانیست ها می باشند . هدف اصلی این آئین ها ایجاد ارتباط با شیطان و تعلیمات گرفتن از وی می باشد . برای این مقصود محیط مساعد برای آن فراهم می شود . برای دریافتن اهمیت عمیق این گونه آئین ها در ساتانیزم نگاهی کوتاه به کتابها و صفحات اینترنتی آنها کافی است . نقطه مشترک این انتشارات و تبلیغات استفاده ایشان از رنگ سیاه و سمبل های خونین و اصرار آنها در اهمیت آئین های شیطانی می باشد . در یکی از صفحه های اینترنتی که به ساتانیست

³⁵ . Ma goster Peter Gilmore, Satanism the Feared Religion همان ادرس است .

ها تعلیم می دهد در مورد اجرای آئین های شیطانی به صورت دسته جمعی و حتی فردی اصرار می نماید.³⁶

در اجتماعی که شیطان را رهبر خود قرار داده ، وجود هر نوع انحراف ، بی اخلاقی و وحشت کاملاً طبیعی جلوه می نماید. از نظر ساتانیست ها این ها اوامری هستند که از طرف شیطان به آن ها داده می شود و می بایست بجا آورده شوند . مطیعان اوامر شیطانی از انجام انحرافات جنسی ، شکنجه انسانها و حیوانات ، حتی قتل آنها و نوشیدن خون آنها و دیگر اعمال که با هیچ عقلی سازگار نمی باشد ، ابا نمی کنند. در برخی از کشورها حیواناتی که خود را ساتانیست می نامند ، ضیافتهای همراه با مواد مخدر برگزار می کنند و در این ضیافتها به هر گونه اعمال منحرف و غیر اخلاقی دست زده و حتی با کشتن یکی از دوستان خود برای شیطان ، ضیافت خود را پایان می دهند. اهمیت ریختن خون در مراسم شیطانی نیز اشاره ای به طرح شیطان برای انسانیت می باشد. شیطان همواره تلاش داشته است نسبت به انسانی که همواره از نژاد آن نفرت داشته ، طعم تلخ عذاب را بچشانند. از این رو خونریزی در دنیا را یکی از اهداف خود قرار داده است . آنچه در صفحات گذشته در مورد ایدئولوژی دجال ، فاشیسم ، نژادپرستی و کمونیسم گذشت ، همه در خدمت این هدف شیطانی بوده اند. جنگها ، قتل عام ها و جنایات و ترورهایی که توسط پیروان ایدئولوژی های مبتنی بر دشمنی دینی صورت می گیرد ، همه و همه آئین های ساتانیستی می باشند در جهت تضمین نفرت شیطان از نژاد انسان.

آنانکه به وضوح خود را ساتانیست اعلان می نمایند خونریزی را به عنوان سمبلی آشکار در اعتقاد خود به انجام می رسانند . آنانکه در روی زمین ترور ، هرج و مرج را اشاعه می دهند ، همان راه را اما به شکلی سر پوشیده ولی فراگیر در حال انجام هستند. بطور خلاصه شیطان و دجالیت (که سیستم وی بر روی زمین می باشند) با سوء استفاده از کسانی که فریب داده ، تلاش دارد دنیا را تبدیل به عرصه ای خونین و مذبح انسان نماید .

³⁶ . ایضا همان آدرس

ساتانیزم ایدئولوژی که از آغاز مغلوب بوده است .

هنگامی که در مورد خطرات ساتانیزم بررسی می کنیم یک نکته از دیدگاه های ایشان را باید مد نظر قرار دهیم ، زمانی که از ساتانیست ها ، از تعدادشان پرسیده می شود اظهار می دارند تعدادشان خیلی زیاد است و اضافه می کنند اگر ما هم ایشان را نشناسیم می دانیم که طرفداران ساتانیزم خیلی هستند. در اصل این حرف از یک جنبه صحیح است . زیرا دیدگاه هایی که ساتانیستها از آن دفاع می نمایند در زمان ، از سوی بسیاری افراد مورد قبول می باشد. زیرا گوش ندادن به ندای وجدان و به حیات امر نیاوردن اخلاق زیبا ، مطابقت از وسوسه های نفس و شیطان می باشد. زمانی که به بلاهایی که توسط ساتانیست ها بر سر انسان وارد آمده بیندیشیم می توانیم تصور کنیم که نهایت جوامعی که با چنین انسانهایی آکنده شده چه خواهد بود. اساس فکری ساتانیزم بر اینکه انسان نوعی حیوان می باشد نیز سفسطه ای بیش نیست . انسان موجودی بوجود آمده در اثر تصادفات نیست .

مانند تمامی نظام محترم حاکم بر آفرینش ، خالق انسان ، الله است که پاک از هرگونه نقصان ، برتر ، قدرتمند و حاکم می باشد. الله انسان ها را موجوداتی صاحب قدرت تفکر تشخیص خوبی از بدی و مسئول در برابر الله آفریده است . همانگونه که نفس هر انسان به او امر به بدی می نماید وجدانش نیز ، به او امر به دوری از زشتی و بدی را می نماید . مسئولیت انسان نیز متابعت از ندای وجدان (و نه اوامر نفس) و نشان دادن اخلاقی نیکو در جهت کسب رضایت الله می باشد.

اخلاق نیکویی که انسان عرضه می نماید هم برای خود و اجتماعی که در آن زندگی می کند آرامش و راحتی به همراه آورده و هم در آخرت به اذن الله ، زیباترین پاداش ها را برای وی به همراه خواهد داشت . واقعیتی که نباید فراموش نمود اینکه شیطان در زندگی دنیوی می تواند انواع وعده ها را به انسان ها بدهد ، تلاش برای گمراه نمودن ایشان نباید به هیچ وجه فراموش نمود که راهی که شیطان انسانها را دعوت بدان می نماید عاقبتی فلاکت بار

برای ایشان نخواهد داشت . زیرا شیطان و آنانی که در پی او هستند از آغاز مغلوب می باشند . برخی از آیاتی که به بیان این واقعیت پرداخته اند چنین می باشند:

"ایشان به جز شیطانی که ارتباطش با خیر و خوبی بریده شود به متابعت نمی نمایند. الله او را لعنت نموده است. او نیز (چنین) گفت : قسم می خورم آن دسته از بندگان را که تعدادشان مشخص است (برای خویش به خدمت) خواهم گزید . آنان را - هرچه باشند- گمراه نموده از راه راست دور خواهم نمود. به ایشان امر خواهم نمود که گوشه‌های گوسفندان را ببرند و امر خواهم نمود که مخلوقات الله را تغییر دهند . هر کس که الله را رها نموده و شیطان را ولی خود قرار دهد ، بدون تردید به زانی بزرگ مبتلا گردیده است." «سوره نساء آیه 117-119»

فرقه های منحرف : روی دیگر شیطان

در بخش های گذشته در مورد گروه های منحرفی که بر اساس جهان بینی منحط خویش بیش از همه در امریکا ، و بسیاری از کشورهای دیگر در دنیا دست به عملیات تروریستی زده اند بحث نمودیم . این گروه های مخفی تشویق کنندگان به برهم زدن نظم اجتماعات اعمال خشونت ، حتی جنایات و خودکشی ها می باشند. معروفترین اینها فرقه منسوب به David Karesh و پیروان او به نام Heavens Gate می باشد . که به طور دسته جمعی خودکشی نمودند و فرقه Aum Shinrikyo در ژاپن که با پخش گاز سارین در مترو به صدها انسان ضرر رساندند ، می باشند. غیر از اینها مخصوصاً در امریکا هر روز اخبار مربوط به بوجود آمدن گروه جدیدی از اینها و اخبار مربوط به حملات آنها و انتخارهای آن ها پخش می شود . از نظر تعداد انتخار کنندگان دسته جمعی واقعه مربوط به فرقه The Peoples Temple قابل توجه می باشد . این فرقه که به رهبری Jim Jones در اواخر دهه 1970 تشکیل شد ، به دور از اجتماع در یک منطقه جنگلی زندگی می کردند . در سال 1978 به دنبال شکایاتی که از مردم شهر Jones town میشد ، Leo Ryan عضو کنگره امریکا یک سفر تحقیقاتی به محل انجام داد ، به دنبال خواست همراهی 18 نفر

از پیروان آن فرقه با Ryan هنگام ترک آن شهر ، درگیری روی داد. اعضای فرقه به روی 18 نفری که از فرقه جدا شده بودند آتش گشودند و Leo Ryan عضو کنگره ، سه نفر روزنامه نگار ، یکی از اعضای جدایی طلب از فرقه در نتیجه آن کشته شده یازده نفر نیز به شدت زخمی شدند. چند ساعت بعد از واقعه ، رهبر فرقه به اعضای فرقه دستور خودکشی با خوردن سیانور داد.

در مرحله اول زهر به کودکان تزریق گردید . سپس بیش از 900 نفر از جمله کودکان خود را مسموم نمودند .³⁷

در دهه 1990 نیز معروفترین واقعه مربوط به فرقه David Koresh بود. در 28 فوریه 1993 نیروهای امنیتی به منظور تحقیقات وارد مزرعه متعلق به این فرقه در بیرون شهر تگزاس شدند. در این اثنا از طرف اعضای فرقه به آنها آتش گشوده شد. پس از آن محاصره ای که 51 روز به طول انجامید آغاز شد. در پنجاه و یکمین روز یکی از نیروهای امنیتی ضمن تلاش برای ورود به ساختمان ، از آن توده های دود به بیرون خارج شد. نیروهای امنیتی اعلام کردند که رهبر فرقه همه جا را ضمن ایجاد تله های بمب به آتش کشیده حدود 90 نفر در این اثنا سوخته و جان باختند.

در سال 1997 در شمال سان دیه گو با کشف جسد 40 نفر از اعضای یک فرقه منحط که بصورت دسته جمعی انتحار نموده بودند ، موضوع گروه های منحط یک بار دیگر وارد اخبار روز دنیا گردید. 40 نفر میان 26 تا 72 ساله به اعتقاد اینکه ستاره دنباله دار Hale-Bopp (که آن روزها از نزدیک کره زمین می گذشت) ایشان را به مرتبه بالاتری از هستی حمل خواهد نمود ، انتحار کرده بودند. افکار این فرقه بر روی صفحه اینترنتی شان چنین بیان شده بود: «ساختورده ترین عضو گروه که در سیر تکاملی فراتر از انسانها می باشد به ما اعلام نمود که ستاره دنباله دار Hale-Bopp همان اشارتی است که منتظرش بوده ایم... اکنون ضمن پایان دادن به آموزش 22 ساله ماده در این دنیا با کسب ماذونیت از این دنیا در سیر تکاملی انسان به یک مرحله بالاتر صعود می کنیم . از

³⁷ . . <http://www.churchof satan.com/page /youth letter.html> .

این جهت که خود را آماده جدایی از این دنیا نموده و به گروه T ملحق خواهیم شد خود را خوشبخت می دانیم .» (T نام مستعار رهبر گروه Bonnie Lu Trusdale بود که در سال 1985 بر اثر سرطان مرده بود.)

این نمونه ها ، بسیار دور از ذهن برای بسیاری از خوانندگان می تواند باشد ، در بسیاری از کشورها در دنیا ، فرقه های منحرف و منحط جوانان را تحت تاثیر خود قرار می دهند . اما بدون تردید دور دیدن چنین وقایعی از خودمان قادر به ممانعت از شیوع آنها و ضرری که به افراد و اجتماعات وارد می سازند نمی باشند . بر عکس همانگونه که از ابتدای کتاب اشاره نمودیم ، نشان دهنده این است فتنه دجالیت تا چه اندازه شایع بوده و تا چه اندازه در اشکال مختلف جلوه می نماید .

حمله به مترو از طرف فرقه ژاپنی

تنها وجه خطرناک فرقه های منحرف و منحط از نظر ضرر جانی و مالی که آنها نسبت به اعضای خود وارد می سازند نیست . چنین فرقه های منحطی با افکار خود و اعمال خویش نظام اجتماعات را نیز بر هم می زنند . بعضاً بطور مستقیم نیز افراد غیر نظامی را هدف قرار می دهند . یکی از وقایع برای مثال در این مورد پخش گاز سارین در مترویی در ژاپن از طرف گروه (Aum Shinrikyo) می باشد . در نتیجه این حمله 5500 نفر آسیب دیدند و دوازده نفر جان خود را از دست دادند . همین فرقه از واقعه مشابه پخش گاز در Matsumoto در نزدیکی توکیو مسئول شناخته شد . در این حمله 7 نفر کشته و 145 نفر زخمی گردیدند . همچنین در پرونده این فرقه جنایات دیگر و آدم ربایی نیز وجود داشته است . طبق آموزشهای رهبر گروه به نام Asahara ، یک انسان تنها با انجام جنایت می تواند روح خود را تمیز نماید ، و حاکمیت بر دنیا هم تنها با اعمال خشونت ممکن می باشد . این راهی بود که رهبران گروه پیش پای مریدان خود گذاشتند .

جنایاتی که با خونسردی تمام انجام شده از طرف پیروان فرقه به عنوان خصوصیت اخلاق نیک یاد می شود . اولین هدف حملاتی که در سال 1994 آغاز شد ، قضات دادگستری بودند که در مجتمع مربوط به

وزارتخانه زندگی می کردند . در این حمله 7 نفر کشته و 144 نفر زخمی شدند . در این میان فرقه به دستور رهبر گروه شروع به افشاء مرکز تولید گاز سارین به ظرفیت 70 تن نمود .

در کنار این Asahara برای تولید هزار قبضه سلاح اتوماتیک و یک میلیون فشنگ دستور صادر کرده بود . با کمک برخی از دانشمندان روسی که از طرف فرقه به خدمت گرفته شده بودند ، تلاش برای تولید نوعی سلاح هسته ای نیز نموده بودند . در میان موضوعات مورد علاقه آساهارا اصلاً وکلا و دادستانی و بقیه افرادی که بر علیه این فرقه فعالیت داشتند بود . حمله به مترو بازتاب وسیعی بجای گذاشت . هزاران انسان بی گناه که صبح به سوی محل کار خود در شرکت بودند در این حمله آسیب دیدند . 12 نفر کشته و بیش از 5000 نفر در بیمارستان ها بستری شدند . این حمله از جهت نشان دادن شدت خطری که این فرقه ها برای افراد غیر نظامی دارند تکان دهنده بود . در میان گروه های منحط و خارج از اخلاق دینی ، همانگونه که در مثالهای بالا نیز دیده شد ، هرگونه عمل غیر اخلاقی ، طبیعی جلوه می نماید . اعضای این فرقه ها پس از انجام هر گونه عمل غیر اخلاقی از استفاده از مواد مخدر گرفته تا شکنجه دیگران در نهایت به زندگی خویش پایان می دهند . این نکته را نباید فراموش کرد که برای کسانی که به الله ایمان نداشته اخلاق نیکو را نشناخته ، از ترس از خدا دور باشند ، انجام چنین اعمال وحشیانه ای تعجب آور نمی باشد . چونکه این اشخاص خود را در برابر اعمال انجام داده خویش مسئول و جوابگو و به گرفتن پاسخ اعمال خود در آخرت اعتقاد ندارند . و به سناریوهایی منحط برای زندگی پس از مرگ اعتقاد دارند . در حالیکه تنها راه صحیح و درست ، راهی است که الله به بندگان خود نشان داده است . انسانی که دین الله را فهمیده و آن را عمل می نماید ، انسان معتدل و با توازن می باشد . علاوه بر آن الله در قرآن انسانها را به اندیشیدن و به کار بردن عقل خود امر نموده است . از همین رو برای ایمان آورندگان ، بودن رجوع به وجدان خویش بدون به کار بردن عقل خود به دنبال تفکر و اعتقادی رفتن ممکن نیست . ایمان

آورندگان در هر لحظه زندگی خود بر اساس وجدان خود زندگی نموده اعمال خود را بر اساس عقل انجام می دهند . و این نیز ایشان را از هر گونه اعمال غیر اخلاقی و انحطاط حفظ می نماید . ایمان آورندگان کسانی هستند که بر راه مستقیمی که الله برای انسانها روشن نموده حرکت می نمایند . اما انحراف چنین فرقه هایی از راه راست کاملاً آشکار می باشد . بدون تردید وقایعی از اعمال تروریستی وحشیانه که در اینجا از آن سخن راندم تنها نمونه هایی از آنچه در سطح دنیا از این دست صورت می پذیرد بوده است . سالیان دراز است که در بسیاری از کشورها با توجیهات مختلف اعتقاد بسیاری از گروه های تروریستی ، به اجتماعات بشری وحشت و ترس القا نموده و انسانهای بی گناه را می کشند . در میان اینها گروه IRA که سالهای سال برای انگلستان به عنوان معضلی چهره نموده و ETA که در منطقه باسک اسپانیا فعالیت می کند و ASALA سالهای دراز دیپلماتهای مقیم خارج از کشور ترکیه را مورد هدف قرار داده و یا PKK که هزاران نفر از جوانان ترک را به شهادت رسانده ، تنها مثالهایی می باشند . تمامی گروهها و یا افراد طرفدار خشونت که در اینجا از آن نام برده شد یا برده شده اگر چه به ظاهر با اعتقادات مختلفی حرکت می نمایند . چه بدانند و چه ندانند ، در یک نقطه اساسی اشتراک دارند . این نقطه مشترک بی دینی می باشد . دلیل اصلی سوق دهنده یک انسان به سوی هرج و مرج و شدت و خشونت عاری بودن از وجدان و اعتقادی است که مانع این اعمال می باشند .

نتیجه

همانگونه که از آغاز این کتاب گفته ایم ، دلیل سوق انسانها به سوی شدت ، وحشت ، عدم بکارگیری وجدانشان و نادیده انگاشته شدن این حقیقت این است که در برابر الله مسئول می باشند و در آخرت در برابر تمامی اعمال خود حساب پس خواهند داد . از این رو بهترین راه دور نمودن انسانها از سر زدن به شدت و ترور ، از میان برداشتن جهالتی است که ایشان را سوق به چنین اعمالی می دهد . در راه مبارزه با ترور ، اتخاذ تدابیر قضایی ، سیاسی و اقتصادی لازم است . اما هیچکدام از این تدابیر به تنهایی در

راه مبارزه با تروریسم کافی نمی باشد ، در اساس قدمی که می بایست برداشت ، از میان بردن زمینه فکری است که اساس تروریسم را تشکیل می دهد. برای این منظور با تمامی ایدئولوژی هایی که کینه و خشم و نفرت را تلقین می نمایند می بایست در عرصه فکری مجادله نمود و به جای آنها از فضایل اخلاقی که دین به انسانها می آموزد می بایست دفاع نمود.

همانگونه که در طول کتاب بررسی نمودیم نقطه اتکای تمامی این ایدئولوژی ها داروینیزم می باشد . این تئوری که از نظر علمی فروریخته و غیر عقلانی و غیر منطقی بودن آن برای همه اثبات گردیده ، همچنان تلاش دارند بر سر پا نگه دارند و دلیل آن نیز وابستگی ایدئولوژیک به آن است . از این رو وقتی نقطه اتکای ایدئولوژی های منحنی یعنی داروینیزم از میان برخاست . زمینه ای که این ایدئولوژی ها بر پایه آن بنا نموده شوند نیز از بین خواهد رفت . به این سبب مبارزه فکری با داروینیزم به انسانها آرامش ، صلح و امنیت به همراه خواهد آورد و می بایست نقطه اساسی همه فعالیتها در این راستا باشد . یک مرحله از این مجادله فکری ، افشای چهره واقعی این ایدئولوژی ها و دیدگان را بر روی اشتباهات آن باز کردن می باشد ، مرحله دیگر پر اهمیت تفهیم دین به انسانهاست که تنها منبع برای ارمغان آرامش و صلح می باشد . در روزگار ما بسیاری از افراد به دلیل عدم اطلاع کافی از دین خود تحت تاثیر بی دین ها قرار می گیرند . از این رو تفهیم دین برحق آشنا نمودن همه دنیا با اخلاق زیبایی که الله به انسانها امر فرموده ، برای آنانی که این دین و این اخلاق را می شناسند و به آن عمل می نمایند مسئولیتی بزرگ می باشد.

امروزه در اغلب مناطق دنیا سیستم دجال یعنی هرج و مرج ، اغتشاش و کابوسی حکمفرماست. اما مانند هر بدی دیگر ، نظام دجال نیز پایانی دارد. الله در طول تاریخ بسیاری از اقوام گناهکار و مفسد را هلاک نموده است . عاقبت هر نظامی که بر پایه ظلم و بی رحمی بنا باشد ، با توسل به اعمال خشونت شدت و ترور به انسانها ظلم می نماید ، یکی است. هر هرج و مرج طلب و

هر تروریست در نهایت هلاک خواهد شد. هر قومی که هرج و مرج و ترور را حمایت نموده هلاک شده است. ظالم هیچ گاه پایبند نیست. عاقبت قوم ظالم در قرآن چنین بیان شده است:

" و این چنین ریشه گروه ظالم خشکانده شده ستایش از آن پروردگار عالمیان الله است. "«سوره انعام آیه 45»

بدون هیچ تردیدی عاقبتی که در انتظار دجال می باشد نیز چنین است. از این رو آنان که متوسل به شدت و خشونت می گردند، برای اینکه دچار چنین عاقبتی نگردند می بایست از آن راه بازگردند. الله می فرماید که گناه آنان را که پس از ظلم و خطا به نیکی ها باز می گردند را می بخشد. به خاطر گناهایی که از روی جهالت و بدون اطلاع از اخلاق دینی انجام داده اند مورد بازخواست قرار نخواهند گرفت. الله بخشنده ترین بخشایشگرهاست و بسیار مهربان است. صاحب رحمت است. از این رو ایجاد کنندگان هرج و مرج و ضرر رسانندگان به انسانها نمی بایست فکر کنند که دیگر برای بازگشت خیلی دیر شده است. برای بازگشت از راه هرج و مرج و ترور هیچ گاه دیر نیست. آنچه که این اشخاص می بایست انجام دهند با قلبی پر از صمیمیت به دیدگاه الله توجه نمودن و بازگشت از همه آن چیزی است که قبلاً انجام می داده اند. الله در مورد عفو کسانی که پس از بدی نمودن از روی جهالت طلب بخشش می نمایند چنین می فرماید:

"به آنان که به آیات ما ایمان آورده اند، هنگامی که به سوی تو می آیند بگو: سلام بر شما باد. پروردگارتان با رحمت خود مقرر داشت که از میان شما آنکه از روی جهالت بدی انجام داده سپس توبه نماید (و خود را) اصلاح نماید، بدون تردید او بخشاینده است، او مهربان است. "«سوره انعام آیه 54»

"تو برتری، به جز آنکه تو به ما یاد داده ای ما چیزی نمی دانیم. برآستی که تو عالم به همه چیز و صاحب حکم و حکمت هستی. "«سوره بقره آیه 32»

زیرنویس ها :

- 1- مسلم سامي گونگور - فتنه بزرگ دجال مسیح - انتشارات پامرك. استانبول. ص 13
- 2- علامه محمد رسول حسيني مدینه اي برزنجي. علائم قیامت . انتشارات پاموك هشتمین طبع. استانبول. ص 225
- 3- اسماعیل موتلو. علائم قیامت از دیدگاه تفاسیر بدیع الزمان. انتشارات موتلو. استانبول 1996. ص 117
- 4- قطب سته مختصري (ترجمه و شرح) . پروفیسور ابراهیم جانان. جلد سیزدهم. آنکارا. 1992. صفحات 457 و 458
- 5- شعبان دوئن. مهدي و دجال. انتشارات گنج ليك. طبع دوم. استانبول 1998. ص 69
- 6- اسماعیل موتلو. علائم قیامت از دیدگاه تفاسیر بدیع الزمان. انتشارات موتلو. استانبول 1996. ص 83
- 7- مسند. جلد سوم ص 367. شعبان دوئن. مهدي و دجال. انتشارات گنج ليك. طبع دوم. استانبول. 1998. ص 59
- 8- ابن ماجه. فتنه ها. مسلم. فتنه ها. شعبان دوئن. مهدي و دجال. انتشارات گنج ليك. طبع دوم. استانبول 1998. ص 59
- 9- علامه محمدرسول الحسيني مدینه اي برزنجي. علائم قیامت. انتشارات پاموك طبع هشتم. استانبول. ص 215
- 10- ایضا. ص 226
- 11- چارلز داروین. نوع انسان. انتشارات اونور. طبع 7. آنکارا 1995. صفحات 199-200
- 12- فرانسيس داروین. زندگی و نامه هاي چارلز داروین. بخش اول. نیویورک انتشارات Appelton and 1888company صفحات 285-286
- 13- Blood in the fale. James Ridgeway. بخش دوم انتشارات Thunder's Mouth - نیویورک. 1995. ص 52
- 14- <http://www.adl.org/learn text%5 Fus/hale.asp>
- 15- <http://www.adl.org>

- S.Hogan-Albach,D.Parude.the word Misread Ian Twists -16
 Bible's Message to back Racist Beliefs. Knight Ridder Newspaper
 Matt Sharkey.American Dream, Generation 21, 1999-17
<http://Hatewathc.org/Frames.Html>-18
 Matt Hale's speech.Illinois.2001 -19
- The explosion of Hate the Growing Danger of the Naitonal -20
 Alliance
http://www.adl.org/explosion_of_hate/int-ro-venomous_voice.html
- General principals of National Alliance ,-21
http://www.natran.com/what_is_na/nal.html#natural
- S.Hogan-Albach,D.Pardue,The word misread Klan Twists -22
 Bible's Message to Back Racist Beliefs. Knight Ridder
 Newspaper.1996
- David Michels, Neo-Nazi Terrorism. International Policy -23
 institues for Counter-Terrorism.2000
- The explosion of Hate the Growing Danger of the Naitonal -24
 Alliance
http://www.adl.org/explosion_of_hate/intro_turner.html
<http://www.mayhem.net/crime/mcveigh.html> -25
- Announcement of Church of Satan -26
<http://www.churchofsatan.com/home.html>
- Anton lavey, Birth of Tragedy, issue No.4. 1986 -27
- Expert on Satanism Sees Terrorism Dangers Ahead. Online -28
 Athensnews.1996
 (28) همان منبع -29
- Vexen Crabtree, A Description of Satanism-30
<http://simon.crabtree.com/satanism/modern.html>
- Magister Peter Gilmore, Satanism the Fared Religion -31
<http://www.churchofsatan.com/home.html>
- The Doctor is in Shame of Amy Bugbee -32
http://www.churchofsatan.com/pages/MF_interview.html
- Magister Peter Gilmore, Satanism the Fared Religion -33
<http://www.churchofsatan.com/home.html>
- Vexen Crabtree, A Description of Satanism -34
<http://simon.crabtree.com/satanism/modern.html>
- Magister Peter Gilmore, Satanism the Fared Religion -35
<http://www.churchofsatan.com/home.html>

36- ايضا " همان آدرس

<http://www.churchofsatan.com/pages/youthletter.html> 37-

<http://www.mayhem.net/crime/cults.html> 38-

<http://www.mayhem.net/crime/cults.html> 39-